

# حوا

فصل نامه علمی-فرهنگی انجمن اسلامی  
دانشجویان دانشکاه الزهراء(س) / سال چهارم /  
شماره سیزدهم / تابستان ۱۴۰۰ / صفحه ۵۶



گفت و گو با دکتر آل ایوب پیرامون:

**خانه داری، وظیفه ای  
واجب یا تکلیفی اخلاقی؟**

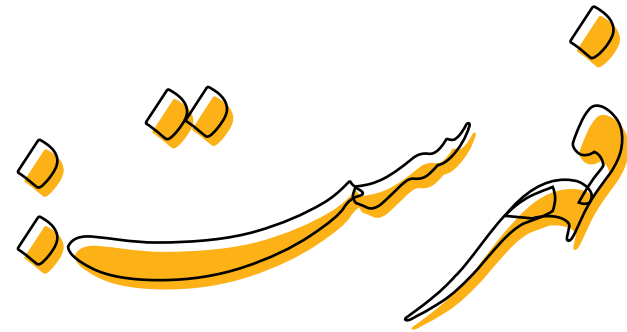


گفت و گو با عاطفه خادمی پیرامون:

**شبهه ساختار معاونت زنان**

**کار نامرئی  
«زنان در پستو»  
در خانه بمانیم یا نمایم؟  
...**

# مجله الحرف من الزهر



سسخن سردبیر ..... ۲

## سردیس جامعه شامز:

شغل شریف ..... ۴  
در خانه بمانیم یا نمائیم؟ ..... ۶  
کرونا برای زنان خانه‌دار: افزایش یا کاهش مسئولیت؟ ..... ۸  
خانه‌دار یا مصرف کننده؟! مسئله این است! ..... ۱۰  
شغل من خانه‌داری است! ..... ۱۲  
مشارکت انسان ساز ..... ۱۴  
کار نامرئی ..... ۱۶

## سردیس روز شامز:

افسردگی، خطری جدی برای خانه‌داران ..... ۱۸  
گریز از خانه‌داری؛ پیش به سوی مسئولیت و اشتغال! ..... ۲۰

## سردیس قلمر- حقوق شامز:

خانه‌داری، وظیفه ای واجب یا تکلیفی اخلاقی؟ ..... ۲۳  
زن ریحانه خانه نه خدمتگزار ..... ۲۸  
فقه چه می‌گوید: زن یک ملکه یا یک خدمتکار؟ ..... ۳۰  
خانه‌داری در قانون مدنی ..... ۳۲

## سردیس فرهنگ و رسانه:

«زنان در پستو» ..... ۳۴  
به همین سادگی ..... ۳۶  
حال خانم خانه خوب است؟ ..... ۳۸

## سردیس فیزیولوژی شامز:

در کمین شماسست مراقب باشید! ..... ۴۱  
بیماری‌ها در کمین زنان خانه‌دار، از جسم تا روان ..... ۴۳

## سردیس خبر شامز:

آقایان و وعده‌های دوران نامزدی، از خیال تا واقعیت ..... ۴۶  
شبه ساختار معاونت زنان ..... ۴۸

حوا اولین فصلنامه علمی-فرهنگی دانشگاه الزهراء(س) در حوزه ی زنان و خانواده

## شماره ششم

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س) عضو اتحادیه انجمن های اسلامی دفتر تحکیم وحدت

مدیر مسئول: ام البنین وکیل زاده  
سردبیر: زهرا ملکوتی پور

نویسندگان: حدیثه ترابیان، مانده نیساری، زهرا ملکوتی پور، کیمیا دهنوی، زهرا جوان، محبوبه سادات صفوی، طه‌ورا ملایحی، زهرا عظیمی، نرگس عابدینی، زهرا ملکوتی پور، محیا ناری، سمیرا رحمتیان، الهام آقابابایی، سمانه احمدی، معصومه آزادی، مهسا ابراهیمی، ریحانه اسماعیلی


استاد مشاور: دکتر الهام شریعتی

ویراستار: فاطمه پیران  
صفحه آرا: مرضیه انبری

با تشکر از سرکار خانم وزیری که ما را در انتشار این شماره از نشریه همراهی کردند.

شماره تماس: ۰۹۰۳۹۶۹۳۴۹۷

 @anjomanalzahra

 @anjoman\_eslami\_alzahra

 @havva\_mag

 @havvamag

## جمعیت هشتاد درصدی

خانه‌داری کلید واژه‌ای که برای برخی از زنان به کار می‌رود. زنانی که به رسیدگی امور خانه و خانواده مشغول هستند و شغلی خارج از منزل ندارند. جمعیتی که طبق آمار شامل هشتاد درصد جامعه زنان ایرانی می‌شوند. بی‌توجهی و عدم دقت در مسائل زنان و خانواده، عدم فرهنگ سازی درست در جامعه، قانون ناکارآمد و نارسا، مسائل اکثریت بانوان جامعه ما مانده‌اند و به حقوق و خواسته‌های آن‌ها بی‌توجهی شده است. با کوچک شمردن این وظیفه بزرگ آن‌ها و به زنان ضربه‌ای بزرگ وارد کردید.

در نگاه اسلامی، انجام امور خانه و خانه‌داری هرگز وظیفه زنان نبوده و زنان همیشه به خاطر محبت و لطفی که دارند، امور را انجام می‌دهند. اما اینجا مصداق لطف که از حد بگذرد نادان خیال بد کند شده است. این لطف در نگاه مردان وظیفه تبدیل شده است و اگر زنی نخواهد لطف کند را نکوهش می‌کنند. مردان هم از مشارکت در امور خانه‌داری با همین نگاه سر باز می‌زنند در حالی اگر مردی مسلمان است لازم است دقت نظر درباره اینکه انجام امور خانه وظیفه نیست و او هم لازم است مشارکت کند داشته باشد. پیامبر در سخنی به حضرت علی(ع) در مورد ارزش و پاداش کمک به همسر در امور منزل می‌فرمایند: هیچ مردی نیست که در کارهای منزل به همسرش کمک کند مگر اینکه پاداش او به هر تار موئی که بر بدنش روییده باشد.

گروهی به خانه‌داری، کار خانگی می‌گویند و معتقد هستند که وقتی فردی کاری انجام می‌دهد لازم است دستمزد به آن فرد داده شود. چیزی که در اسلام و قانون با نام اجرت مثل تعریف شده است. که البته هیچ مردی پرداخت نمی‌کنند و همیشه این حق‌ها داده نمی‌شوند و اگر هم درخواست شود با پرخاش با زن برخورد می‌کنند و هیچ مکانی نیست تا زنان بتوانند بدون دردسر و اذیت این حقوق خود را مطالبه کنند.

این غصه‌ها و دردها را در طول تاریخ ما زنان با خود حمل می‌کنیم و تلاشی هم از طرف افراد مسئول برای حل آن دیده نمی‌شود و نتایج قابل توجهی نداشته است.

ما زنان همواره برای گرفتن حقوق ساده خود اذیت شده و هیچ چشمی آن را نمی‌بیند یا بی تفاوت از کنار آن عبور می‌کند. اما توقعات بی‌شماری از ما دارند. توقعاتی غیر معقول و بیش از حد که از توان فردی عادی خارج است. از زن می‌خواهند مادر کامل باشد و بچه خوبی تربیت کند، همسری بیست و چهار ساعته باشد، فعال اجتماعی هم باشد، متخصص هم شود و شور و شادابی و تفریح و استراحت و مراقبت از خود هم داشته باشد. در عقل فردی که همه این‌ها را می‌خواهد باید شک کرد.

امیدوارم روزی برسد که زنان جامعه از فشارهای بیهوده رها شوند. به حقوق خود برسند و خود مسیر و راه خود را انتخاب کنند.



زهرا ملکوتی پور- سردبیر  
کارشناسی مطالعات خانواده





# شغل تربیت



حدیثه تریابیان  
دانشجوی کارشناسی ادبیان و عرفان

فقط نقش تربیت کودکان را در نظر بگیریم، بایستی گفت سالانه هزینه‌های بسیاری صرف تعلیم و تربیت کودکان در مدارس می‌شود. بخش وسیعی از این آموزش‌ها مخصوصاً در سنین پایین، توسط مادر در خانه انجام می‌شود. متأسفانه کار خانگی زنان هیچ‌گاه پایانی ندارد. افراد خانه‌دار حقوق و اجرتی بابت کار خود دریافت نمی‌کنند؛ چراکه در جامعه خانه‌داری شغل محسوب نمی‌شود. هرچند در قانون مفهوم نفقه به همین دلیل وضع شده است. همه زنان خانه‌دار کم و بیش با مشکل کارهای یکنواخت روزانه در خانه روبه‌رو هستند. کارهایی مانند نظافت، آشپزی، خرید، رسیدگی به امور بچه‌ها، مهمان‌داری و... این‌ها کارهایی هستند که جوامع سنتی جزو وظایف و نقش‌های زنان می‌دانند.

هرچند امروزه خانه‌داری، از شکل سنتی آن فاصله گرفته است. زندگی مدرن شهری از جهاتی از رنج‌های آن کاسته است. بسیاری از امتیازات عاطفی و منزلتی آن را نیز ر بوده است تا جایی که بسیاری از زنان خانه‌دار، خانه‌داری را شغلی پزحمت، یکنواخت و کم‌اثر تلقی می‌کنند. امروزه در بیشتر کشورها، زنان خانه‌دار افراد فعالی به شمار می‌آیند، اما متأسفانه نوع فعالیت، میزان انرژی و ارزش اقتصادی کار زنان ایرانی روشن نیست. از این رو براساس تحقیقات علمی، باید ارزش اقتصادی کار زنان در خانه محاسبه شود.

در جامعه‌شناسی، نظریه منابع نسبی در تقسیم وظایف خانگی مطرح شده است. این نظریه بیان می‌کند که توازن قدرت در سمت آن شریک زناشویی است که منابع بیشتری در ازدواج داشته باشد. هریک از شرکای ازدواج که منابع بیشتری را در رابطه زناشویی داشته باشند، دارای قدرت بیشتری هستند. از آنجا که مردان در رابطه زناشویی نوعاً بیشتر کسب درآمد می‌کنند، لذا قدرت بیشتری داشته و بیشتر می‌توانند چانه‌زنی کنند، در نتیجه آن‌ها می‌توانند بیشتر به فعالیت‌هایی که مدنظر خودشان است، بپردازند. همین موضوع آن‌ها را از کارهای خانگی تکراری و ناگوار خلاصی می‌دهد. طبق نظریه ایدئولوژی جنسیتی، نحوه نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی عامل تعیین‌کننده در تقسیم کار خانگی است. زن و شوهرهایی که نگرش تساوی طلبانه دارند، به همان نسبت نیز تقسیم کار برابری خواهند داشت. در نقطه مقابل هرچقدر که ایدئولوژی جنسیتی زوجین سنتی‌تر باشد، مردان کمتر در کار خانگی مشارکت می‌کنند.

## \*خانه‌داری از مهمترین شغل‌هایی است که کمتر کاری به اهمیت آن دیده می‌شود\*

خانه‌داری در عرف عام، در مقابل اشتغال به کار برده می‌شود. مراد از اشتغال، خروج از خانه و پرداختن به کاری معین در وقتی مشخص با حقوق و مزایای تعیین شده است اما زن خانه‌دار هم بیکار نیست، بلکه کارهای متعدد و گاه نقش‌های متعارضی دارد. در ایران، خانه‌داری نوعی حضور بی‌اجر و پاداش در محیط خانه دانسته شده که فایده‌چندانی بر آن مترتب نیست و نوعی بیکاری تلقی می‌شود. این نوع تلقی از مفهوم خانه‌داری، نتایجی دربردارد که قابل تامل و بررسی است. اگر اشتغال را بر مبنای تعریفی که در لغت‌نامه دهخدا آمده به معنای

پرداختن به کار و یا توجه قلبی به کسی یا کاری بدانیم، زن را محور اصلی تربیت انسان‌ها به شمار آوریم و خانه را اولین کانون تشکیل اجتماع که سعادت و شقاوت انسان‌ها در آن تعیین و رقم زده می‌شود بدانیم، در این صورت خانه‌داری از مهمترین اشتغالات محسوب می‌شود که کمتر کاری به اهمیت آن دیده می‌شود.

با توجه به اینکه در کشور ما خانه‌داری شغل محسوب نمی‌شود زنان خانه‌دار با ارائه انواع خدمات مهم و ضروری، بیکار محسوب می‌شوند. آن هم با این استدلال که از خانه‌داری درآمدی حاصل نمی‌شود. از سوی دیگر خانه‌داری حتی ارزش افزوده نیز دارد؛ برای نمونه اگر یک ماه هزینه کارهایی که زن در خانه انجام می‌دهد، محاسبه و ارزش کارش مشخص شود، همه ما متوجه می‌شویم که خانه‌داری زن ارزش اقتصادی دارد. اگر فعالیت‌های داخلی در خانه براساس مزد و معادل این فعالیت‌ها در خارج از خانه، براساس قیمت این فعالیت‌ها در بازار محاسبه شود، مشخص می‌شود که نه تنها محصول نهایی تولیدی زنان در خانه با توجه به زمان صرف شده برای آن بیش از دستمزد بازاری

آن‌هاست بلکه در بیشتر دوران تولید خود بیش از دستمزد بازاری مردان است. ۲۵ تا ۴۰ درصد از ثروتی که در کشورهای صنعتی به دست می‌آید از ناحیه کار خانه‌داری است؛ بنابراین با نگاه اقتصادی خانه‌داری نوعی شغل و دارای ارزش مالی است. زیرا گذشته از بررسی کیفی نقش خانه‌داری به عنوان محور تعلیم و تربیت، حضور زنان در خانه به معنای انجام برخی امور خدماتی است که ارزش اقتصادی دارد. بنابراین محاسبه کمی ارزش اقتصادی کار زنان در خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است. تعریف کار بایستی عوض شود تا زنان خانه‌دار بیکار تلقی نشوند. کار باید به معنی هرفعالیتی در نظر گرفته شود که برایش انرژی صرف شود چه رسمی چه غیررسمی، مزدبگیر یا فی سبیل





# بمانیم یا نه؟ در خانه



کیمیا دهنوی

دانشجوی کارشناسی روان شناسی

او بر اثر گرسنگی کم شده بود چون حالا به جای آنکه مجبور باشد آذوقه ی زمستان را بر دوش بکشد می توانست آنرا در خانه نگه دارد و در یک کلام زندگی او «توسعه» پیدا کرده بود. دقیقا همین نقطه از زمان است که داستان خانه‌داری آغاز می‌شود. انسان بر طبق عادت پدرانش هنوز گوشت می خورد اما حالا خوراک جدیدی هم پیدا کرده بود، آنچه خودش می کاشت. در خانه چیزی بود که هم راحت تر از شکار بدست می آمد هم مطمئن‌تر بود، گیاهان مزرعه. زنان و مردان آن روزها با هم قرار گذاشتند وظیفه‌ی بقای نسل برای زن خانه و وظیفه‌ی بقای خود برای هم مرد و هم زن باشد، البته این وظیفه بیشتر بر گردن مرد بود. هنوز اختلاف وظایف زن و مرد چندان زیاد نبود تا اینکه «توسعه» بعدی رخ داد، شکل گرفتن شهر ها و اتحاد آنها. حالا که شغل‌ها بیشتر شده بود راه‌های آسان‌تری هم برای زنده ماندن پیدا می‌شد، مثلا تجارت. همین دلیل کافی بود تا قرارداد بین زن و مرد اندکی تغییر کند. مرد مالک اموال بود و گرداننده آن، پس سهم بیشتری در بقای خود و همسرش داشت و زن مسئولیت بزرگ کردن بچه‌هایی را داشت که فردا بتوانند جای پدر را پر کنند یا حتی بتوانند از او بهتر باشند و اینطور بقای خود و بقای نسل خانواده را تضمین کنند.

در سال ۵۵۰ قبل از میلاد بلاخره با یک اتحاد بزرگ تنها کمی دورتر ازجایی که اولین روستاها شکل گرفته بود، آخرین عصر از دوران سه گانه پیشاتاریخ پایان یافت. اقوام ماد که در آذربایجان می‌زیستند و اقوام پارس با هم اتحادی را شکل دادند. البته فقط در آن حوالی عصر آهن پایان یافت و باقی نقاط جهان هنوز زمان نیاز داشتند تا از پیشاتاریخ عبور کنند.

سال‌ها بعد کشوری شکل گرفته بود با صنایع جدید. این اتحاد

که حالا بسیار بزرگتر شده بود مهمترین دلیل برای انتقال فن، هنر و دانش شد. انسان‌ها فهمیده بودند که توسعه یعنی کسی سهم بیشتری از آن‌ها دارد اما خودشان هم نسبت به زمان پیش از توسعه سهم بیشتری می برند. برگردیم به خانواده که دیگر زن مسئولیت‌های بزرگتری نسبت به فرزندش داشت. حالا آن‌ها باید دانش، هنر و فن می‌آموختند تا در آینده شانس بیشتری برای بقا در شهر و کشور داشته باشند. از آن طرف مسئولیت مردان فرماندار یا تاجر کمتر از پدران کشاورزان بود و تنهایی از پس آن برمی‌آمدند. این یعنی دلایل وجود زن در اجتماع کمتر شده بود.

در همین سال‌ها در یونان نیز الهه‌هایی شکل گرفته بودند که همه ی آنها پولدار، خوشگذران و جذاب بودند. خدایی مناسب برای اشراف زاده‌ها یا به بیان ساده تر «خدایی فقط خدای پولدارها بود». جالب اینجا ست که این خدایان هم مرد بودند و هم زن. بعد از مدت کمی فیلسوفانی که اشراف زاده هم بودند به میان مردم رفتند و ستر خرد و فلسفه را بر آنان بازگفتند. یواش یواش خدایان عادی تر شکل گرفتند، خدایانی که هر چند همچنان محدودیت‌چندانی نداشتند اما دست کم صدای مردم عادی را می‌شنیدند. حتی گاهی این خدایان به کمک مردم می‌شتافتند و تلاش می‌کردند تا داد مردم را بستانند همچون هرکول که خدایی دورگه بود نیم از خدایان بود نیم از انسان. برعکس خدایان المپ نشین که هم زن بودند و هم مرد و زنان نقشی به پررنگی مردان داشتند، خدایان نسل دوم بیشتر مرد بودند و گاهی عناصر شخصیتی مردانه‌ی بسیار قوی‌ای داشتند، همچون هرکول.

در همین حوالی زمان، کمی پیش‌تر یا کمی پس‌تر، میان اقوام سامی نیز ریش سفیدان و یا پیغمبرانی بودند از خاندانی خاص. همچون اساتیر یونان باستان و خدای نامه‌های ایرانی؛ مردم سامی نیز تاریخچه‌ای از آنچه بر این خاندان گذشته بود می‌دانستند. شخصیت اصلی این تاریخچه بیشتر مردان خاندانی که از ابراهیم به جای مانده بود، بودند. برای همین می‌بینیم که داستان زن لوط بیان می‌شود چون شخصیتی از داستان لوط است.

همانطور که گفته شد این مردان از یک نسل بودند پس معنای بقای نسل در آن زمان و مکان برابر بوده با بقای نسل مردان. همین عامل باعث شد انسان فکر کند بچه بدون پدر هم می‌تواند بزرگ شود و تنها تأمین خوراک و پوشاک خانواده کافی ست. لابد با خود فکر کرده‌اند حالا که می‌شود نسل خود را از رحم چند زن نگه داریم چرا به یکی قناعت کنیم. در این دوران تقریبا نقش پدر از ساختار عاطفی خانواده حذف شد و مرد فقط تأمین‌گر مالی خانواده بود. واضح است که زن تنها بازیگر عاطفی خانه شد و از همین جا است که مادری شد شغل. یعنی حالا دیگر خانه‌داری دو بخش داشت اولی همان کارهای مربوط به خانه و حیوانات در آغل و دوم مادری.

بهتر است با سرعت بیشتری پیش رویم و برسیم به دوران رنسانس یا نوزایی. در فاصله‌ی اولین کشورهای پساتاریخ تا عصر رنسانس رفته رفته دوقطبی اختلاف طبقاتی که خود فرزند تفاوت زن با مرد بود بیشتر می‌شد. در عصر رنسانس فواره‌ای که نگون شده بود سرنگون شد. عصر رنسانس که از فلورانس شروع شد عصری بود که پول مهمتر از خون شد. تا پیش از آن فردی که وام می‌داد و پولش را چندبرابر می‌کرد تنها یک رباخوار بود اما از اینجا به بعد او یک بانکدار به حساب می‌آمد.

وقتی حرف از عصر رنسانس به میان می‌آید نمی‌شود از خاندان مدیچی صحبت نکرد. خاندان که رفته رفته با بانکداری چنان نفوذی یافتند که نه تنها به اشراف زاده‌ها برتری یافتند بلکه گاهی حتی از پادشاهان نیز پیشی می‌گرفت. یادگار این قدرت نمایی علاوه بر موزه

های به جای مانده؛ کلیسا ی معروف فلورانس است، نماد این شهر. شغل‌های مورد علاقه ی این خاندان بعد از بانکداری، کاردینالی و ملکه بودن بوده است. به طوری که هنری دوم فرانسه یک زن پولدار را به یک شاهزاده ترجیح داد. مسیری که خاندان مدیچی طی کرد تا از یک خانواده ساده به یکی از تاثیرگذارترین خاندان‌های اروپا تبدیل شود در حوصله ی بحث ما نمی‌گنجد اما مثال خاندان مدیچی مثالی ست که ثابت می‌کند نشانه‌های فوران آغاز شده بود. زمان آن رسیده بود که برتری ذاتی بر هم بخورد و چه برهم زدن مهمتر از برهم زدن ریشه تمام این دوقطبی‌ها، تفاوت زن و مرد.

در این سال‌ها و حتی در قرون وسطی دانشگاه‌هایی در اروپا وجود داشتند حتی اگر دقیق تر نگاه کنیم از همان دوران باستان در سراسر جهان دانشگاه‌هایی وجود داشته اما در قرن ۱۹ میلادی بود که دانشگاه در دسترس عموم مردم قرار گرفت. طبیعی ست که زنانی در این سال‌ها قید خانه‌داری را می‌زنند و به دانشگاه می‌رفتند یا گاهی فشار مضاعف خانه‌دار بودن کنار دانشجو بودن را می‌پذیرفتند. در اواخر قرن ۱۹ میلادی تغییرات بزرگی در اروپا رخ داد که خیلی از آن‌ها ریشه در رساله‌های دانشگاهی داشتند. سپس در ۱۹۲۰ جنگ جهانی اول و بعد از آن در ۱۹۴۰ جنگ جهانی دوم آغاز شد. زنان اروپا پیش از آن آماده بودند برای قرار گرفتن در جامعه. در جنگ جهانی دوم بیشتر از جنگ جهانی اول مانور بر سر عقیده‌ها بود. پس حالا وقتش بود تصاویر بیان کنند دولت‌های روشنفکر اجازه می‌دهند زنان دوشادوش مردان برای برد کشورشان تلاش کنند. عکس‌هایی از زنان آمریکایی که در کارخانه‌ها جنگ را پشتیبانی می‌کردند به جهان مخابره شد. پیام این بود که ما(شوروی،انگلیس،آمریکا و متحدانشان) بر عکس نازی‌ها روشنفکر هستیم. در مقابل هیلتر اصرار داشت ثابت کند بهترین نوع تمدن، تمدن ژرمن‌های اروپایی بوده که اتفاقا نژاد اصیل آریایی هم هستند و دلیل موفقیت تمدن ژرمن‌ها محترم شمردن اختلاف طبقاتی بوده است که برای داشتن یک تمدن پیشرفته لازم است.

تمدن خودش را دور زده بود و شرایط بحرانی‌ای که خود برای خود ساخته بود آدمیزاد را به یاد قبل از یکجا نشینی می‌انداخت. دوباره زنان لازم شده بودند. اما آیا بعد از جنگ این شرایط مانا بود یا خیر؟

پاسخ این است: خیر. بعد از پایان جنگ جهانی دوم حالا آمریکا دشمن جدیدی داشت، بلوک شرق، به رهبری شوروی. شوروی کشوری بود که ایده اتولوزی خود را برابری قرار داده بود. اگر در آمریکا زنان پشت جبهه بودند، در ارتش سرخ لباس نظامی بر تن داشتند. زمان آن رسیده بود که تصویر آمریکا تغییر کند به «زنان کمک‌کننده‌ی مردانند»، «بهتر است زنان یک خانه را خوب بگردانند تا یک کارخانه را» و در آخر «زن زیبا کنار یک مرد پولدار زیباست». دیگر لابد خودتان فهمیده‌اید که باز نقش زن همان شد که بود. البته قطعا هیچ قدرتی نمی‌تواند یک زن تشنه‌ی فتح کردن را در خانه نگاه دارد اما آن زنانی که با تاثیر از تصویر تلویزیون به کارخانه رفته بودند به خانه‌هایشان بازگشتند.

همان طور که مهستی گنجوی می‌گوید:

ما را به دم پیری نگه نتوان داشت

در حجرة دلگیر نگه نتوان داشت

آن را که سر زلف چو زنجیر بود

در خانه به زنجیر نگه نتوان داشت



که انجام کارهای شخصی شان به کلی منتفی شده است و اغلب منتظره ماه مهر بودند چون در تابستانها در خانه حضور داشتند و بعد از رفتن بچه ها به مدرسه به اموری می‌رسیدند که حالا معنی ندارد مثل پیاده روی صبحگاهی و غیره.

ندا مادری است که این روزها همزمان درگیره دور کاری کارخانه و درس دخترش است و زمان زیادی برای رسیدن به کارهای شخصی ندارد شاید فقط بتواند چند صفحه کتاب بخواند یا در حد به کارهای عقب مانده رسیدگی کند.

به عنوان بدترین مورد برای زنان هم می‌توان به موضوع افزایش خشونت خانگی علیه زنان در جهان در دوره قرنطینه اشاره کرد در ایران هم آمارهای مختلفی است افزایش تماس با اورژانس اجتماعی در استان‌های مختلف وجود دارد.

اما کرونا این فرصت را هم به خانواده ها داد تا بتوانند اعضای خانواده که گرفتار روزمرگی شده بودند یک بار دیگر دور هم جمع شوند و اوقاتی خوش در کنار هم رقم بخورد بسیاری از پدران و مادران شاغل فرصتی پیدا کردند که اوقات بیشتری را با فرزندشان در منزل سپری کنند که این امر با مشارکت اعضا در انجام امور منزل می‌تواند بسیار لذت بخش باشد.

راهکار گذر از این دوران با افزایش آگاهی و دانش اعضای خانواده به ویژه زنان برای پیشگیری از آسیب هاست. افراد بیاموزند که زندگی خانوادگی با مشارکت مردان و زنان و فرزندان در خانواده شکل منصفانه تری به خود می‌گیرد و به مادر خانواده کمک می‌کند تا فرصتی برای امور شخصی خود اختصاص دهد و به رسیدگی به امور جسمی و روحی خویش بپردازد که نقش رسانه در این امر پررنگ است در بسیاری از جوامع زنان هم تامین کننده نیازهای روحی و عاطفی خانواده و هم تقویت کننده روحیه تعاون و ایثار در خانواده هستند و یک ضرب المثل ویتنامی این وضعیت را به روشنی بیان می‌کند.

**«مرد ساختمان خانه را می‌سازد زن آن را اداره می‌کند.»**

سوالی که مطرح می‌شود مادر چه کند تا حرفش خریدار داشته باشد به طور کلی حرف زمانی خریدار دارد که اعتباری میان طرفین ایجاد شده باشد در این جا هم باید گفت عدم صداقت اتی رفتاری در حرف یا عمل بی‌نظمی و هیاهو آفرینی مادر در خانه اگر بارها و بارها تکرار شود دیگر نباید انتظار داشته باشد که فرزندان یا همسر خریدار حرفش باشند که این نکته به تحصیلات مادر ارتباطی ندارد بلکه اعضای خانواده با مشاهدات عینی به آن رسیده‌اند بنابراین هر چه هنری از مادر یا همسری که خود ما این نکات بهداشتی را رعایت می‌کند و مراقبت از خود و خانواده و اولویت قرار داده و بیش از همه است.

به گفته یکی از مادران در دوران خانه نشینی اجباری تمام اعضای خانواده را در کارهای خانگی صحیح سهیم کرده است و به خواسته او همسر و پسرش و مادر شوهرش مسئولیت‌هایی را در منزل انجام می‌دهند زمان آن فرا رسیده است که درک کنیم زنان ابرقهرمان نیستند، نیرو و توانایی محدودی دارند.

شیوع ویروس کرونا جنبه‌های مختلف زندگی ما را تغییر داد مشاغل زیادی تعطیل شدند. آموزش‌ها اینترنتی شدند و بسیاری از افراد مجبورند در منزل و به اصطلاح دور کاری کنند که همه این موارد مستقیم یا غیر مستقیم زندگی زنان را تحت تاثیر قرار داده است.

به طور کلی زنان بیشتر از مردان در بخش خدمات مشغول به کار هستند که همین بخش در دوران شیوع ویروس کرونا هم بیشترین آسیب را دیده است و در نتیجه آمار بیکاری زنان در کرونا اتفاق افتاده است. با وجود اینکه زنان سهم کمی از شاغلان را تشکیل می‌دهند اما درصد زیادی از متقاضیان بیمه بیکاری هستند. این شرایط نه تنها مشکلات اقتصادی زنان را تشدید و استقلال آنان را تهدید می‌کند بلکه ممکن است وضعیت شغلی زنان بعد از بازگشت به شرایط عادی را هم تغییر دهد چرا که با خودم می‌خواهم افزایش جمعیت زنان بیکار این احتمال وجود دارد که برای کسب یک جایگاه شغلی به حقوق و مزایا و شرایط کاری نامناسب تن دهند.

از طرفی با وجود حضور همه افراد در منزل امور خانه‌داری شامل آشپزی و پذیرایی از افراد بیشتر شده و مسئولیت زنان خانه‌دار در افزایش رعایت مسائل بهداشتی و ضدعفونی کردن محیط، ضدعفونی خریدهای بیرون از منزل، لباس‌ها همه و همه شرایط جدیدی برای آن‌ها فراهم کرده است. علاوه بر این وظایف مراقبتی بیشتری بر عهده زنان گذاشته شده چرا که به دلیل خطرات ملاقات با پرستار در منزل و حضور در بیمارستان‌ها و وخامت شرایط اقتصادی این وظایف بیش از پیش بر عهده زنان گذاشته می‌شود. در کنار همه این شرایط با آموزش از راه دور زنان ناچارند کار آموزش فرزندان را نیز به عهده بگیرند و زمان زیادی را صرف رسیدگی به تکالیف و مسائل آموزشی فرزندانشان به ویژه در دوره ابتدایی کنند.

برای مثال شهزاد خانه‌دار با دو فرزند در سنین ابتدایی و راهنمایی به ایسنا می‌گوید که برای دختر بزرگش که در مقطع متوسطه تحصیل می‌کند زمانی صرف نمی‌کند اما دختر دومش که سال دوم ابتدایی نمی‌تواند به خوبی از برنامه شاد استفاده کنند و او از ساعت ۸ صبح تا ۲ بعدازظهر دخترش را در همه‌ی کلاس‌ها راهنمایی می‌کند و از طرفی بیشتر وقت‌ها صدای پیام صوتی معلمان کم و نامفهوم است و مجبور است که گوش کند و برای دخترش توضیح دهد به طوری که تقریباً همه کلاس‌ها را برای او توضیح می‌دهد البته بعد از ساعت ۱۲ هم ناچار است که تکالیف دخترش را رونویسی کند تا او حل کند چراکه پرینت همه تکالیف به صرفه نیست بنابراین بعد از تمام شدن کلاس‌ها یک تا سه ساعت در روز را صرف رسیدگی به تکالیف فرزندش می‌کند او در ادامه می‌گوید برای من کارخانه بیشتر نشده اما کار مادری بیشتر شده و برنامه ریزی متفاوت مثلاً من حتماً شب قبل ناهار فردا را آماده می‌کنم چون نمی‌توانم هم در آشپزخانه باشم و هم حواسم به پیام‌های صوتی معلم باشد از طرفی این مادران در پاسخ به اینکه آیا می‌توانند روزانه زمانی را به امور شخصی خود اختصاص دهند یا نه می‌گویند



## کرونا برای زنان خانه‌دار: افزایش یا کاهش مسئولیت



طهورا ملایچی  
دانشجوی کارشناسی نقاشی



# خانه‌دار یا مصرف‌کننده؟! مسئله این است!

بررسی ابعاد و آثار زنان خانه‌دار فعال و منفعل، همچنین لزوم و ارزشمندی خانه‌داران فعال با رویکرد خلق ارزش در جامعه



زهرا عظیمی  
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

مورد تفقد قرار دهند ولی در واقع، عمق جامعه به اهمیت و لزوم خانه‌داری، به معنای واقعی کلمه پی‌نبرده است. حتی زنان خانه‌دار، با این نظر که خانه‌داری چیزی جز «مصرف‌کنندگی» نیست دچار تضادی بس فاحش با دیدگاه دوم شده‌اند.

باید اذعان کرد که همین تضاد فکری، نهایتاً باعث خلق دو کاراکتر متفاوت و متناقض از زن خانه‌دار شده است. کاراکتری که صرفاً در خانه وقت می‌گذراند، و ماهیتی بالاتر از «مصرف‌کننده» ندارد؛ کار خانه را مجموعه‌ای پایان‌ناپذیر از وظایف بی‌ارج و بی‌عجر، تکراری، ملال‌آور و طاقت‌فرسا می‌پندارد که فقط خانه‌دار را از بام تا شام، مشغول می‌کند. البته، خانه‌دار منفعل حتی به کارهای خانه هم، آنطور که باید، نمی‌پردازد و در جامعه جایگاه «گیرندگان منفعل خدمات اجتماعی» را دارد که معمولاً احساس ناامیدی و استیصال می‌کند و در ایفای نقش کامل مادری و همسری خود، کاهلی و سستی می‌ورزد.

کاراکتر دوم، کاراکتری است که با اختلاف، زن خانه‌دار را ارزشمند و مولفه‌های وجودی او را در پررنگ‌ترین نقطه اعتبار و قابلیت می‌داند؛ به جهت اینکه اساساً خانه‌داری مشغله‌ای است که کفالت آن، نیازمند شایستگی در جنبه‌های متنوعی می‌باشد. بی‌شک، در جامعه نهادی بالاتر از «خانه و خانواده» موجودیت ندارد و چه خدمتی بالاتر از خانه‌داری است؟! خانه بستری است که در آن رشد انسان با متعالی‌ترین ابعاد، ممکن شده و خانه‌دار کسی است که مسئولیت شغلی، به شرافت «حفظ بنیان خانواده» و «خلق ارزش» بر دمه خود دارد. در این نگرش خانه‌داری از انفعال به دور است، و متضمن وظایفی است که نیازهای اساسی، عاطفی، روحی و روانی خانواده را تأمین می‌کند.

خانه‌داران فعال با انجام دادن کارهای خانه، موجبات موفقیت و زمینه‌های بالندگی همه اعضای خانواده را فراهم

«خانه‌داری» مسئله‌ای است که در تعریف، تمجید و نقد آن در بین افراد، کماکان شک و شبهه‌هایی توأم با بازخوردهای مثبت و منفی به چشم می‌خورد. در مسئله خانه‌داری دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و جریانات فکری عملی متعددی، به جایگاه و ارزش‌گذاری آن در جامعه با رویکرد خاص خود پرداخته‌اند.

حال در اینجا، به دو دیدگاه اصلی این زمینه می‌پردازیم. دیدگاه اول، عملاً خانه‌داری را «شغل» به حساب نمی‌آورد و صرفاً کسانی را مشغول به کار می‌داند که مشغله‌ی آن‌ها در محیط بیرون از خانه باشد؛ هم‌چنین با این دیدگاه، اگر در فرم‌های معرفی، عنوان شغل «خانه‌داری» نوشته شود، به معنای «بیکار» تلقی می‌شود. تکلیف دیدگاه اول مشخص است؛ تمام افراد جامعه را به سمت و سوی اشتغال در بیرون از خانه می‌کشاند، و اساساً در نظام ارزش‌گذاری جامعه، برای خانه‌داری، فی‌نفسه ارزش و منزلتی قائل نیست.

اما دیدگاه دوم، خانه‌داری را برای جامعه امری معتبر، قابل و لازم می‌داند. هرچند اگر امروز از اغلب زنان و مردان جامعه در این باره پرسش شود ممکن است پاسخی هم‌سو با دیدگاه دوم شنیده نشود؛ اما با توجه به عملکردهای جامعه و اتفاق‌هایی که در این باره می‌افتد گویا در پس ذهن آن‌ها به ضرورت وجود خانه‌داری صحنه گذاشته می‌شود.

در جامعه امروز ما، از طرفی اکثر اوقات عملکردها نسبت به خانه‌داری در قالب دیدگاه دوم است. با ازدواج زن و مرد و تشکیل خانه و خانواده، وظیفه خانه‌داری بر دوش یکی از زوجین و غالباً زن گذاشته می‌شود. این عملکرد منتج از قانون منطقی این است که هر نهادی برای بقای خود نیازمند مدیریت و حفاظت است. طبیعتاً این گونه انتخاب‌ها ناشی از پذیرفتن دیدگاه دوم می‌باشد اما از طرف دیگر، در نظر، حیطة فکری و استنباط عموم افراد، خانه‌داری در مفهوم و ارزش‌مندی دچار تضاد شده است. شاید زنان خانه‌دار را با ادبیات تعارف آمیز،



عرصه‌ی زندگی شخصی و اجتماعی عملکرد فعالانه و توانایی انتخاب تصمیم دارد.

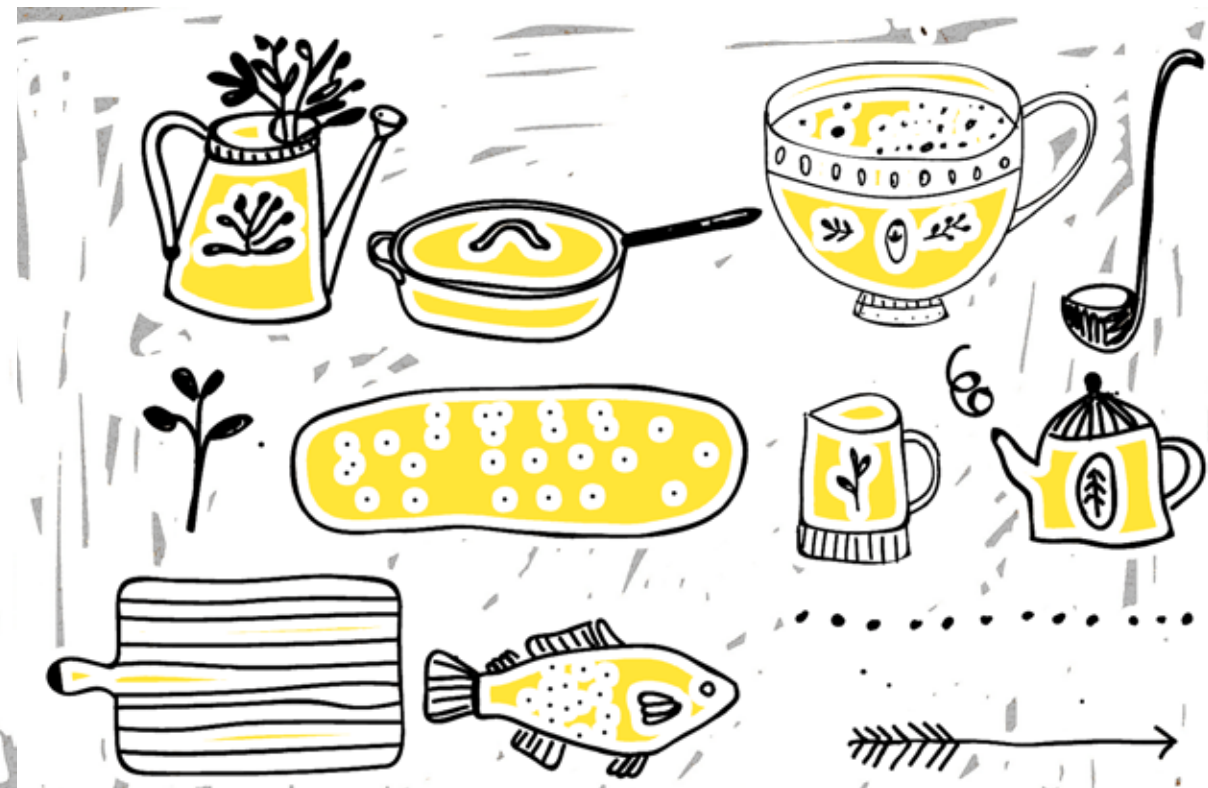
قرآن می‌گوید: «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر. سوره توبه، ۷۱» یعنی مردان و زنان مومن، در حفظ مجموعه نظام ارزشی و امر به معروف و نهی از منکر، سهیم و شریک هستند؛ مسئولیت اداره پیشرفت جامعه بر دوش همه است و زنان از این مسئولیت استثنا نشده‌اند. اما آنچه که بیش از همه مهم است، اصلی‌ترین نقش زن، یعنی بقای بشر و بالندگی استعدادهای درونی انسان می‌باشد. اموری که زنان خانه‌دار فعال انجام می‌دهد، دقیقاً منطبق با همین اصل است، که نهایتاً منجر به آرامش و طمأنینه در مقابل بی‌قراری‌های بیرون می‌شود.

خانه‌داری فعال، نه تنها منافاتی با پیشرفت و خودشکوفایی زن ندارد، چه بسا، به پله‌ای برای رشد خود و دیگر اعضای خانواده مبدل می‌شود؛ و این زنان قدرتمند، توانمند و فعال هستند که جامعه‌ای بالنده و با سلامت روحی بالا می‌سازند.

می‌سازند؛ محیط را به گونه‌ای مساعد می‌کنند که دغدغه سایر اعضای خانواده تأمین لازم‌ترین و بدیهی‌ترین نیازهای آن‌ها نشود. خانه‌داری که غذای اهل خانه را آماده می‌کند، اولاً در ساده‌ترین اثر خود، موجب تأمین نیاز به غذای افراد می‌شود، ثانیاً این تأمین نیاز، آرامش‌خاطری ایجاد می‌کند که اعضای خانواده نگران غذای خود نباشند و دقت و حواس خود را به کاری که باید، صرف‌کنند؛ فرزندان خانواده با روحیه‌ی بهتری به تحصیل خود بپردازند و همسر پس از گذران روز کاری خود، دغدغه خوراک نداشته باشد. این گونه است که خانه‌دار «خلق ارزش افزوده» می‌کند.

خانه‌دار فعال، دائماً مشغول کاری است. کاری مفید و سازنده‌ی انسان؛ کاری که به خود و خانواده خود، قدرت، نشاط و نیرو می‌دهد. او فقط به کارهای خانه بسنده نمی‌کند. اهل مطالعه است و از هر فرصتی برای بالا بردن سطح سواد و دانش خود بهره می‌برد. بعلاوه، خانه‌دار فعال برای کمک به اقتصاد خانواده، خلاقیت خود را به کار گرفته و کسب و کار خانگی به راه می‌اندازد؛ با اعتماد به نفس است و قدرت انتخاب دارد و در یک کلام، خانه‌دار فعال، «توانمند» است؛ بدین معنا که در





## شغل من خانه‌داری است!

● بررسی نگاه جامعه نسبت به خانه‌داری ●

تربیت کند که واقف به حقوق خود و هم‌جنس‌انش باشد و با انگیزه زندگی‌اش را هدفمند بداند. این مستلزم آن است که زمان بیشتری را صرف تربیت فرزندان کند.

در بی‌توجهی به خانه‌داری همین بس که هیچ رشته تحصیلی در این خصوص در دانشگاه‌ها وجود ندارد. در صورتی که زنان می‌توانند در این جایگاه مهم توفیقات بیشتری بدست آورند.

بر خلاف تصور عامه، همانطور که مردان می‌توانند دو یا چند شغل داشته باشند، زنان نیز می‌توانند هم در خانه و هم بیرون از خانه به صورت همزمان فعالیت کنند و در عین حال تعادل خانه و بیرون از خانه را حفظ کنند به گونه‌ای که اهل خانه و فرزندان صدمه‌ای نبینند. در نتیجه باید در این زمینه حقوقی برای زنان قائل شد تا آنان بتوانند در زمینه‌هایی که علاقه دارند و با روحیات آنان سازگار است حضور فعال داشته باشند.

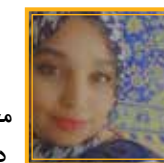
باید این پنبه را از گوشمان در بیاوریم که زنان خانه‌دار شاغل نیستند یا به اندازه مردانشان در طول روز کار و فعالیت نمی‌کنند. کسانی که بر این باورند کافی است یک هفته جایشان را با همسرشان عوض کنند تا کمی طعم زحمت کارهای خانه و سر و کله زدن با فرزندان را بچشند؛ بلکه عمیقاً بفهمند زنان چگونه برای ایجاد بالانس تعادل و آرامش در خانه زحمت می‌کشند و چرا می‌گویند بهشت زیر پای مادران است! حق است که در اینجا بگوییم در هر بحرانی در جامعه سنگر خطیر خانه‌داران را فراموش کرده‌ایم!

در این تقسیم‌بندی زنان مسئول کارهای خانه و خانه‌داری و تربیت فرزندان هستند که کاری بدون درآمد است و در نتیجه از لحاظ مالی به مردان وابسته می‌شوند. به همین خاطر متأسفانه شخصیت و هویت زنان در برخی خانواده‌ها دستخوش تعصب و جهالت مردانی است که بدون بهره‌گیری از اخلاق اسلامی، اختیاری را که شرع برای مدیریت و هدایت خانواده به آنان بخشیده است، دستاویزی برای ظلم و تحقیر زنان کرده‌اند.

مع الاسف ضعف رسانه ملی در نشان دادن شخصیت زنان به موجوداتی منفعل، بی‌انگیزه، ابزار کار، و یا برعکس کسانی که زندگی‌شان خلاصه در مد و آرایش و چشم و هم‌چشمی است و مجالی برای فکر کردن درباره‌ی وظیفه خود در خانه و خانواده و یا شخصیت انسانی خود ندارند، و یا اکثراً زنان درگیر عشق‌های مثلی، و خلاصه به عنوان شخصیت‌های کلیشه‌ای، به جای نشان دادن شخصیت‌های فعال، مثبت و موفق در جامعه، بر افکار عمومی نسبت به شغل شریف خانه‌داری بی‌تاثیر نیست و همچنان این خلأ دیده و احساس می‌شود.

البته حق و مسئولیت از هم جدا نیستند و هر حقی در قبال مسئولیت تعریف می‌شود. زنان خانه‌دار نیز وظیفه دارند در تربیت فرزندان به گونه‌ای عمل کنند که این خلأ نسلی فعلی به نسل بعدی سرایت نکند.

زن محور و قلب خانه و خانواده است؛ باید فرزند پسر خود را که مرد آینده است به گونه‌ای تربیت کند که رعایت‌کننده این حقوق باشد و فرزند دختر خود را که زن آینده است به گونه‌ای



محبوبه سادات صفوی  
دانشجوی کارشناسی ادیان و عرفان

همسری و مادری نیروی کارش را به رایگان در اختیار خانواده قرار می‌دهد. البته در سال‌های اخیر در ایران سعی شده که خانه‌داری یک شغل محسوب شود و زنان خانه‌دار بیمه شوند اما همچنان نگاه عامه به خانه‌داری به منزله یک شغل شریف نیست بلکه عموم، زنان خانه‌دار را شاغل حساب نمی‌کنند. هر چند از نظر اسلام موقعیت زنان خانه‌دار بسیار بالاست و قدر و قیمتش قابل اندازه‌گیری نیست. در واقع هرگاه توانستیم وسعت قلب زنان و مادران را اندازه‌گیری کنیم، ارزش محبت‌ها و کارهایشان را هم می‌توان اندازه گرفت!

خانه‌داری از نمودهای تقسیم‌کار جنسیتی است و بنابراین زنان و مردان فقط به دسته خاصی از کارهای از پیش تعیین شده می‌پردازند که شاید تحت اختیار خود فرد هم نباشد.

خانه‌داری همان خانواده‌داری است اما به اختصار! اختصاری که به لطف نگاه ناشایست عامه به آن، «وظیفه» انگاشته می‌شود.

در کشوری که قانون اساسی آن بر اساس دین مبین اسلام نوشته شده است و مبنای این دین نیز حقوق انسانی است (چه برای مرد و چه برای زن)، می‌بینیم که زنان به جایگاه مطلوبی که در خور آنان است نرسیده‌اند و حقوق آنان به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ چه رسد که زنی خانه‌دار باشد با شرایط مالی وابسته به مرد. و این را مرهون گذار از سنت به سوی مدرنیته هستیم. این در حالی است که زن می‌تواند در قبال مشغله‌های خانه‌داری حقوق دریافت کند و اعضای خانواده موظف‌اند حقوق زن خانواده را چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی رعایت کنند. اما می‌بینیم که زن خانواده بنا بر محبت



بنابراین با توجه به گوناگونی این عوامل می‌توان دامنه مشارکت و سطوح آن را در خانواده‌های جامعه جهانی، مختلف ارزیابی کرد.

ابعاد یا سطوح مشارکت در خانواده به سه سطح فکری، عاطفی و رفتاری تقسیم می‌شود.

اکثر خانواده‌ها دغدغه رشد فکری و تربیتی عقلانی فرزندان خود را داشته و برای به ثمر رساندن آن سرمایه‌های انسانی و مالی خود را هزینه می‌کنند. زن و شوهر با مشارکت خود آموزش‌های لازم و مهارت‌های مناسب اجتماعی را به فرزندان خود می‌آموزند. علاوه بر این مشارکت فکری و معاونت و همکاری در ارتقاء فکری و فرهنگی بین همسران، پیش شرط اساسی تأمین سایر مشارکت‌های خانوادگی است، لذا خانواده‌هایی که مشاوره و مشارکت فکری آن‌ها با یکدیگر بیشتر است، از بهداشت روانی و روحی بهتری برخوردارند. هنگامی که ارتباط کلامی بین زن و شوهر از محدوده دخل و خرج‌ها فراتر رود با کاستی‌ها، علائق و نیازهای یکدیگر بیشتر آشنا شده و بسیاری از مشکلات را با بحث و مشورت حل می‌کنند، در نتیجه نگرش آن‌ها نسبت به خانواده و ازدواج مثبت خواهد شد. (هر کدام از این همکاری‌ها نقش بسیار مؤثری در جامعه‌پذیری و بلوغ فکری فرزندان دارند. اگر از دوران کودکی نقش و ارزش وجود فرزندان را در کانون خانواده بر آن‌ها روشن شود، با ایجاد عزت نفس در آن‌ها می‌توان مسئولیت‌هایی در حد توان و در حوزه علاقه آن‌ها برایشان تعریف نمود. در این راستا از عوامل به وجود آورنده این احساس مسئولیت، ارج نهادن به نظرات شخصی آن‌ها، هر چند ساده، و سهیم ساختن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، همچنین تقسیم وظایف بر اساس توانایی و علائق اعضای خانواده می‌توان نام برد.)

خانواده‌های هنجارمند از مشارکت عاطفی و روانی بالایی برخوردارند. هیچگاه روابط عاطفی اعضاء یکسویه یا ضعیف نیست. عاطفه والدین نسبت به فرزندان بسیار بالا بوده و همین شدت عاطفه و وابستگی، فاصله زمانی و مکانی آن‌ها از یکدیگر را دردناک می‌کند. از سوی دیگر فرزندان هرگاه نسبت به والدین عاطفه لازم را نشان ندهند، افرادی بی‌رحم و ناهنجار نسبت به والدین محسوب می‌شوند. عواطف زن و شوهر نسبت به یکدیگر در نمونه معتدل و مطلوب آن بسیار به یکدیگر معطوف و مربوط است. نقش ارزش‌های دینی در ایجاد چنین مشارکت عاطفی بسیار برجسته است.

تعامل و کنش اعضای خانواده با یکدیگر با همه اختلافات فرهنگی که در مناطق مختلف شهری و روستایی و عشایری وجود دارد، واقعیتی است که هیچگاه عرصه خانواده از آن تهی نبوده است. این عرصه مشارکتی توان این نهاد را در تحقق اهداف و برنامه‌های خود بسیار بالا برده، ضریب موفقیت آن را افزایش می‌دهد. لذا مشارکت‌پذیری اعضای خانواده، با توجه به شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی عصر ما، یک ضرورت اجتماعی است. در گذشته، اعضای خانواده به صورت طبیعی و در شبکه‌ای گسترده، روابط خود را شکل می‌دادند. شدت روابط در عرصه‌های مختلف اقتصادی، تربیتی، آموزشی، دینی و ... مشارکت‌پذیری را به صورت طبیعی ایجاد می‌کرد؛ اما در عصر کنونی که پیچیدگی جامعه، تقسیم کار شدید در بیرون از خانه و افزایش روابط غیر رسمی، ارتباط فیزیکی و معنوی مستمر اعضای خانواده را کاهش داده، ایجاد مشارکت در زمینه‌های مساعد و مناسب برای التیام جراحات خانواده یک اضطرار و ضرورت اجتماعی است.

یک سو، روابط به صورت «نقش‌های مشترک زناشویی» باشد؛ یعنی همه فعالیت‌های مربوطه بصورت مشترک انجام گیرد و هیچ نوع تفکیکی در نقش‌ها جز بر اساس علائق یا منافع صورت نگیرد، اما سوی دیگر این طیف، مناسباتی باشد که روابط آن بصورت «نقش‌های تفکیکی زناشویی» انجام گیرد. در بین دو سر این طیف ممکن است درجات مختلفی از مناسبات اشتراکی یا تفکیکی وجود داشته باشد. جز در برخی از موارد نظیر شیردادن به فرزند، معمولاً ذات یک رفتار خود به خود به عنوان «کار مرد» یا «کار زن» تلقی نمی‌شود، لذا به طور طبیعی تقسیم و اعتبار مطرح نمی‌شود؛ یعنی برخی کارها بر حسب اعتبارات فرهنگی، عقلانی، دینی و دیگر الزامات طبیعی و غیر طبیعی به زن سپرده می‌شود و برخی دیگر به مرد. اگر تقسیم کار بر اساس ظرفیت، توان و استعداد طبیعی افراد نباشد، دوام نمی‌یابد.

نقش جنسیت در تخصیص نقش‌ها و نوع رفتار، چیزی نیست که قابل انکار باشد. همانگونه که متغیر سن اقتضاتی دارد و وظایفی که از بزرگسالان انتظار می‌رود از خردسالان مورد توقع نیست و همینطور متغیر قدرت و توانایی جسمی، انتظارات خاصی را به همراه می‌آورد، عامل جنسیت هم متقاضی وظایف و نقش‌های ویژه‌ای است. تأثیر جنسیت در تفکیک نقش‌های مربوط به خانواده با توجه به عوامل روحی، روانی و اجتماعی فراوانی صورت می‌گیرد که نباید از آن‌ها غفلت کرد.

امروزه در بسیاری از خانواده‌های غربی الگوی زندگی زناشویی تغییر کرده است، به گونه‌ای که رابطه «تناسب نقش‌ها» برای زن و مرد، جای خود را به رابطه «برابری نقش‌ها» میان زن و شوهر و عدم تقسیم بندی کارها به «کار مرد» و «کار زن» سپرده است، ولی این الگوی زناشویی به صورت مطلق نمی‌تواند تناسبی با مجموعه فرهنگ اسلامی و بومی ما داشته باشد. از سوی دیگر نگرش جنسی محض به نقش‌های مربوط به خانواده، مانع مشارکت‌پذیری است. بنابراین باید قائل به نوعی تقسیم کار انعطاف‌پذیر و غیر جزئی‌گردد تا ضمن پذیرش تقسیم نقش‌ها بر اساس تناسب، مشارکت اعضای خانواده هم میسر شود.

تاکید بر وجوب مشارکت اعضای خانواده بر این علل استوار است که مشارکت سبب تخفیف بار سنگین مسئولیت‌ها از دوش یک فرد شده، فشارهای روانی ناشی از فردگرایی را به امنیت روانی و عاطفی حاصل از مشارکت‌پذیری تبدیل می‌کند. همچنین مشارکت به درک متقابل و همدلی بیشتر اعضای خانواده کمک می‌کند. فرض فقدان هر نوع مشارکت پویا، نشان از عدم اعتماد اعضای خانواده به یکدیگر دارد. خانواده‌ای که نمی‌تواند اعضایش را به مشارکت فراخواند، از استعدادهای آنان خبر نداشته یا اعتمادی ندارد، در نتیجه اعضای آن نمی‌توانند همدیگر را تکمیل کنند. چنین خانواده‌ای از ناتوانی و انزوای اعضای خود در رنج است. مشارکت‌پذیری، کارآمدی خانواده را در دستیابی به اهداف افزایش می‌دهد. هر قدر قلمرو فعالیت فکری، عاطفی و رفتاری اعضای خانواده انفرادی تر باشد، به همان میزان پیامدهای آن در مقایسه با حالت مشارکت‌پذیری، محدودتر و ناقص‌تر خواهد بود.

حوزه‌های مشارکت اعضای خانواده متغیر وابسته‌ای است که تحت تأثیر عوامل زیادی می‌باشد، از رویکرد انسان‌شناختی، نوع نگرش ما نسبت به عالم و آفرینش تا رویکردهای اجتماعی و میزان و شدت جامعه‌پذیری اعضای خانواده از ارزش‌های اجتماعی، همگی در تعیین قلمرو مشارکت اعضای خانواده تأثیر گذار است.



# مشارکت انسان ساز

● مقاله ای درباره مشارکت در خانه‌داری / نصرالله آقاجانی ●



خلاصه نویسی / زهرا جوان  
کارشناسی روانشناسی

و اهداف خانواده و مسئولیت‌پذیری اعضاء و تفاهم و توافق آن‌ها، از عناصر کلیدی نظام فرهنگی جامعه اسلامی است که موجب مشارکت‌پذیری اعضای خانواده می‌شود. از سوی دیگر ابهام نقش‌ها، فضای بی‌اعتمادی، بدبینی، حسادت، کینه توزی و نگاه جنسی محض به نقش‌های همسری به عنوان موانع فرهنگی مشارکت‌پذیری اعضای خانواده محسوب می‌گردد.

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی می‌تواند عمیق‌ترین تأثیرات روحی و روانی را در اعضایش ایجاد کرده و به نوبه خود منشأ تحولاتی عظیم در جامعه باشد، اما یکی از موانع فرهنگی مشارکت‌پذیری اعضای خانواده تلقی جنسی محض از نقش‌ها و اشتغال‌ها مربوط به خانواده است. بطور کلی می‌توان مناسبات مربوط به نقش‌های زناشویی را بصورت طیفی در نظر گرفت که از

خانواده به عنوان نهادی اجتماعی، هسته نخستین پیوند اجتماعی انسان را بنیان می‌نهد و با تأمین مجموعه‌ای از نیازهای انسانی، عهده دار نقش‌ها و کارکردهای ویژه‌ای است. مشارکت‌پذیری اعضای خانواده به عنوان نیاز اجتناب‌ناپذیر عصر ما، همه ابعاد انسانی را در سطوح مختلف فکری، عاطفی و رفتاری تحت پوشش قرار می‌دهد و در به ثمر رساندن اهداف خانواده حائز اهمیت است. «تعاون و همکاری در خانواده به معنای مشارکت در تمام امور خانواده است. خانواده به مثابه یک جامعه کوچک است که تمام اعضای آن یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند و آن هم پویایی و توسعه است. به نوعی یک زندگی سالم هدفمند و رشد برای همه اعضای خانواده، در گروه تعاون و همکاری است.»

تأثیرگذاری عقاید، باورها و ارزش‌های دینی بر آرمان‌ها





زهرا ملکوتی پور  
دانشجوی کارشناسی مطالعات خانواده

وقتی حرف از مسائل مرتبط با زنان می‌شود، لازم است نگاهی هم به حرفهای فمینیستی داشته باشیم تا با دیدگاه‌های متفاوت در جهان آشنا شویم در بحث خانهداری هم فمینیسم حرف‌ها و نظریه‌هایی دارد.

خانهداری را از نمودهای تقسیم کار جنسیتی می‌دانند. در این تقسیم کار جنسیتی، از زنان و مردان انتظار می‌رود فقط به دسته‌ای که برای آن‌ها از قبل تعیین شده است و به اختیار خود شخص نیست بپردازند. در این تقسیم بندی زنان مسئول کارهای خانه و خانهداری و بزرگ کردن کودکان شمرده می‌شوند، که کاری بدون مزد است و مردان مسئول کار در بیرون از خانه. در نتیجه زنان از نظر مالی به مردان وابسته می‌شوند و دسترسی به پولی که از آن خود بدانند نخواهند داشت.

#### ✚ مکاتب فمینیسم و خانهداری

فمینیسم معتقد است که نظام مردسالاری از کار رایگان زن در عرصه خانه سود می‌برد به همین دلیل به شدت برای حفظ تقسیم کار جنسیتی اصرار می‌رود و علاقه مند به آن است. نظام مردسالاری با قوانین تساووی و فرصت‌های شغلی مقابله می‌کند تا این محیط جنسیتی را از دست ندهد.

مکتب فمینیسم رادیکال که از تند رو ترین مکاتب است، معتقد است زنان برای رسیدن به برابری باید تمام کارهای جنسیتی را رها کنند. از خانهداری تا بارداری و حتی ازدواج کردن.

فمینیسم‌های مارکسیسم درباره زن طبقه کارگر و کارفرما در نظام سرمایه داری صحبت می‌کند و زن کارگر از صبح تا عصر مشغول کار در کارخانه و یا خانه ثروتمندان است. این زن شب‌ها شام را باید آماده کند، بچه‌ها را اداره کند و به مرد کارگر هم آرامش دهد با اینکه خود خسته است. زن طبقه کارگر هر ثانیه در حال له شدن است. او در نهایت یا تشکیل خانواده را رها می‌کند یا زیر فشار نابود می‌شود.

فمینیسم‌های لیبرال اما خانهداری را به دلیل نداشتن درآمد شغل نمی‌دانند و زنان را تشویق به استقلال مالی می‌کنند. درباره کارهای خانه و بچه هم بحث مشارکت پنجاه پنجاه را مطرح می‌کند

در نهایت، مکاتب فمینیسم مخالف این لطف بی سود بودند و معتقد بودند این خود ظلم به زن است که از او، انرژی و زمانش استفاده کنید در حالی که هیچ سودی برای او نداشته باشد. زنان باید وارد بازار کار شده و متخصص شوند و دارای درآمد مجزا از مردان شوند تا بتوانند استقلال خود را حفظ نمایند.

اما فمینیسم‌ها امروزه به خانهداری نام کار خانگی داده است. کاری رایج در جهان که درصد زیادی از زنان را دربرمی‌گیرد. در ایران هم هشتاد درصد زنان خانهدار هستند. می‌گویند این یک کار بیست و چهار ساعته است و باید به رسمیت شناخته شود و نباید به راحتی از کنار آن عبور کرد. این کار سودی را در اقتصاد خانواده می‌آورد. این سود را باید به زن بپردازند چون دارند ارزش افزوده‌ای ایجاد می‌کند که متعلق به کار خانگی است. این سود و ارزش افزوده را باید به او توسط دولت بپردازند. اثبات این مساله یکبار در ایسلند اتفاق افتاد و نام جمعه طولانی را به خود گرفت. زنان یک روز همگی به مرخصی رفتند. هیچ زنی در این روز هیچ کاری نکرد و نه ظرف شست نه غذا پخت نه از کودکان مراقبت کرد. این کار به طور عملی به مردان جامعه ایسلند درباره کارهایی که زنان می‌کنند در طول یک انجام می‌دهند را نشان داد.

کار خانگی ، شبیه به کار نامرئی ایت و در جامعه توسط مردم دیده نمی‌شود چون تا وقتی ارزش افزوده آن دیده نشود برای زنان هم سود خاصی ندارد. تا زمانی که در جامعه فرهنگ اصلاح نشود و کار خانگی و خانهداری ارزش‌هایش نشان داده نشود، نگاه جامعه به زنان به چشم یک مصرف کننده صرف است. در صورتی که آن‌ها ارزشی خلق می‌کنند که بسیار زیاد است. مثل پخت غذای خانگی سالم که با هیچ چیز قابل مقایسه نیست. اما برای رسیدن به این نقطه که ارزش خانهداری در کنار شاغلی در یک راستا باشند و حق انتخاب را به خود آن‌ها داده شود و خود انتخاب کنند نه جبر جامعه نیازمند فرهنگ سازی در جامعه استو البته نباید نقش دولت و قانون را دست کم گرفت.

## سرویس:

# روانشناسی





احساس پوچی و بی‌ارزشی کنند و در طول شبانه روز غمگین باشند و روحیه شادی نداشته باشند و ناگهانی و بی‌علت گریه کنند. گاهی اوقات افسردگی علائم جسمانی مانند بی‌اشتهایی، کاهش وزن، اختلال در خواب را نیز شامل می‌شود و همچنین زنان خانه‌دار که دچار افسردگی می‌شوند در ارتباط با همسر خود دچار تعارضات جدی هستند مانند کاهش میل جنسی.

تفکرات غالب در جامعه و خانواده زنان خانه‌دار را دچار این احساس کرده‌اند که بالاچار زن باید تمام وقت در خانه باشد و فقط به امور خانه و تربیت فرزندان بپردازد. به طبع این تلقین زنان وقتی برای استراحت، لذت و پرداختن به امور مورد علاقه خود در نظر نمی‌گیرند و در نتیجه احتمال به خطر افتادن سلامت روان آن‌ها و دچار شدن به اختلالات روانی افزایش پیدا خواهد کرد.

درون خانواده باید اول مرد بعنوان همسر خانه‌داری را وظیفه همسر خود بداند و برای زحمات او در خانه ارزش زیادی قائل باشد. زنان خانه‌دار باید از اعتماد بنفیس بالایی برخوردار باشند و رفتار و احساسات خود را با خانه‌داری منطبق کنند. زنان خانه‌دار باید تلاش کنند تا اطلاعات خود را به روز نگه دارند و در فعالیتهای اجتماعی شرکت داشته باشند و در کارهای روزمره خود تغییراتی حتی کوچک ایجاد کنند. به سلامت جسمانی و تغذیه خود توجه داشته و در خانه ورزش هایی را انجام دهند و خود را با سرگرمی‌هایی مطابق سلیقه و استعداد خود مشغول کنند. با اطرافیان خود بیشتر ارتباط بگیرند و برای خود ارزش قائل شوند و به امور دلخواه خود بپردازند. این موارد از جمله کارهایی است که زنان خانه‌دار می‌توانند برای رفع و از بین بردن افسردگی، استرس و اضطراب خود به کار بگیرند. افسردگی و استرسی که زنان خانه‌دار دچار آن می‌شوند احتیاجی به دارو درمانی ندارد بلکه تنها نیازمند مقاوم سازی زنان و خانواده است و همچنین یک محیط حمایتی برای سلامت روان.

زنان چه شاغل و چه خانه‌دار قطعاً با عواملی روبه رو خواهند شد که برایشان مشکلاتی ایجاد خواهد کرد. حال چه در زمینه سلامت روان و چه سلامت جسم. زنان خانه‌دار باید با تلاش خود و همراهی اعضای خانواده بخصوص همسر خود با کارهای خانه منطبق شوند و نگرش مثبتی در این مورد داشته باشند تا دچار اختلالات روانی نشوند، زیرا اختلالاتی نظیر افسردگی و اضطراب و استرس موجب بیماری‌های جسمانی و در صورت عدم رفع و درمان موجب خودکشی و بی‌هدفی خواهد شد.

در ایران که تعداد زنان شاغل پایین است افسردگی در زنان خانه‌دار یکی از معضلاتی است که بیشتر دیده می‌شود. البته خانه‌داری به تنهایی موجب مشکلات سلامت روانی نیست. زنان خانه‌دار به علت کار در منزل و نداشتن استقلال مالی و درآمد در این زمینه بسیار به همسر خود وابسته هستند. خیلی از زنان خانه‌دار در جامعه ما استقلال کافی در زندگی خود ندارند و از زمان تاهل خود اول بعنوان همسر برای او محدودیت‌هایی ایجاد می‌شود و بعد بعنوان مادر فرزندان و حس مادری که به آن‌ها دارد هم محدود می‌شود و هم از علایق خود دست می‌کشد تا فرزندان در بهترین موقعیت و شرایط قرار بگیرند. اما خود را دچار مشکلات زیادی مثل استرس و اضطراب می‌کند و همین استرس و اضطراب زمینه‌ای برای بیماری‌های جسمانی می‌شوند. و این فرایند به صورت علت و معلول ادامه پیدا می‌کند و باعث اختلالات روحی و روانی بیشتر و شدیدتری خواهد شد.

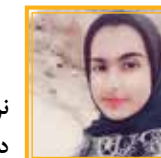
زنان خانه‌دار به علت کار در منزل و پرورش فرزندان و حمایت و مراقبت از آن‌ها در طول زندگی‌شان درگیر استرس‌های شدیدی می‌شوند و خود این استرس عامل و زمینه‌ای است برای اختلالات روانی مانند افسردگی و بسیاری از بیماری‌های جسمانی.

یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی در بین زنان خانه‌دار که بیشتر به علت علل و عواملی که گفته شد ایجاد می‌شود، افسردگی است. معمولاً افسردگی علائم جسمانی و روانی را به دنبال دارد. زنان خانه‌دار ممکن است در یک بازه زمانی خاص که دچار افسردگی می‌شوند به انجام امور و کارهای خانه علاقه‌ای نداشته باشند و حس بی‌حوصلگی و بی‌هووده بودن را تجربه کنند. یا خیلی از مواردی که قبلاً برایشان لذت بخش بوده و باعث و شور و نشاط آن‌ها می‌شده است دیگر برایشان بی‌معنا باشد. زنان خانه‌دار هنگامی که دچار افسردگی می‌شوند



# افسردگی

## خطری جدی برای خانه‌داران



نرگس عابدینی  
دانشجوی کارشناسی مطالعات خانواده

آنچنانی است و زیاد با محیط خارج از خانه در ارتباط نیستند و بطور دایره‌وار کارهای مشخصی را برعهده دارند و انجام می‌دهند. یکی دیگر از تفاوت‌های بانوان خانه‌دار با سایر مشاغل این است که، آن‌ها با افراد همسن خود یا بزرگسالان کمتر در ارتباط هستند و بیشتر مواقع در خانه تنها و در انزوا به سر می‌برند. نکته مهم این است که این تفاوت‌ها باعث شده است که زنان مسئولیت‌های بی‌انتهای سنگینی بر عهده داشته باشند. و در ارتباط نبودن با کسانی که به خوبی او و شرایطش را درک کند و ارزشش را بفهمند علاوه بر خستگی‌ها و فشارهای جسمی، بار روانی آزاردهنده‌ای را بر آن‌ها تحمیل کرده است و همین مسئله زمینه‌ای می‌شود برای اختلالات روانی مانند افسردگی.

زنان بیشتر بر اساس شرایط اقتصادی، اجتماعی و دسترسی به منابع مالی و مادی، خانه‌داری یا اشتغال خارج از خانه را انتخاب می‌کنند. در حال حاضر ۶۲.۱ درصد زنان در ایران خانه‌دار هستند. امروزه زنان خانه‌دار از حمایت کمتری از جانب همسر و فرزندان و جامعه برخوردار هستند. در تصور عام جامعه حتی خود زنان خانه‌داری وظیفه زن در منزل تلقی می‌شود و همین امر موجب وسواس و آسیب به کارکردهای آن‌ها و... می‌شود.

همیشه به زنان اینطور دیکته می‌شود که باید علاوه بر پخت و پز، نظافت منزل و مدیریت خانه به تربیت فرزندان نیز بپردازند و همسر شایسته‌ای برای شریک زندگی خود باشند. کار خانه با اغلب مشاغل متفاوت است چرا که زنان در خانه بی‌منت و نداشتن انتظاری از جانب افراد خانواده و از روی عشق و دوست داشتن آن‌ها به کارها رسیدگی می‌کنند. اما شاهد هستیم که در خیلی از مشاغل بیشترین دغدغه افراد کسب مقام و پول بیشتر است. مادران و زنان خانه‌دار چون در خانه مقررات تحمیلی ندارند و متاسفانه خانه‌داری در جامعه شغل محسوب نمی‌شود، از بیمه و خدماتی که سایر مشاغل از آن بهره‌مند هستند منع شده‌اند. خانه‌داری شرایطی تکراری و بدون هیجان برای محوری‌ترین فرد خانه و خانواده ایجاد کرده است و چون بیشتر کار بانوان خانه‌دار در محیطی یکنواخت و بدون تغییر



# گریز از خانه‌داری؛ پیش به سوی مسئولیت و اشتغال!

● بررسی علل فرار از مسئولیت‌های خانه‌داری و پاسخ به اینکه آیا خانه‌داری شغل می‌باشد یا خیر ●



زهرا اعظمی  
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

مسئله مسئولیت‌پذیری برای جوان امروز، تبدیل به بحرانی شده است که اکثر افراد نه از پس مسئولیت‌های فردی خود بر می‌آیند و نه به مسئولیت‌های اجتماعی می‌پردازند. از جمله پیامدهای عدم مسئولیت‌پذیری، شرم، سرزنش از جانب دیگران و از بین رفتن قدرت و نفوذ فرد بر دیگران می‌باشد. البته این تنها یک صدم عارضه‌های آن است.

مسئولیت‌پذیری ابعاد مختلفی را دربرمی‌گیرد، اما چیزی که در ادامه می‌خواهیم به آن بپردازیم، پذیرفتن مسئولیت‌های خانه و خانواده و به عبارتی «خانه‌داری» است. اینکه چرا دختران و زنان از پذیرش مسئولیت‌های خانه‌شان خالی می‌کنند و علت فرار از وظایف خانه‌داری چیست؟ در اینجا برخی از علت‌های آن را ذکر می‌کنیم:

۱. عدم تربیت درست: اگر کمی دقیق‌تر نگاه کنیم و به سال‌های کودکی دختر و زن امروز جامعه توجه کنیم، بلاشک خواهیم دید، مسئولیت‌پذیری از همان سنین کودکی به فرزندان آموخته نشده است و مع الاسف، والدین دچار اشتباهات تربیتی زیان‌باری شده‌اند. به زعم روان‌شناسان تربیتی، آموزش مسئولیت‌پذیری در خانه باید شروع شود و ایجاد آن با نقش دادن به فرزندان از کودکی حاصل می‌شود. نقش دادن به فرزندان، به مراتب در خانواده‌های روستایی بیشتر از خانواده‌های شهری دیده می‌شود و روستاییان مسئولیت‌پذیرتر از افراد شهری هستند.

۲. الگوی نامناسب: خانه بستری برای رشد همه اعضا است و خانه‌دار، فرصت غنیمتی دارد تا به عنوان مربی انسان ساز، به تکلیف خود بپردازد. اما از آن جایی که دختر امروز در دوران تجرد، با زن خانه‌دار آشفته و رشد نیافته‌ای تجربه‌ی زیست داشته، طبیعتاً مسئولیت‌پذیری‌ای برای خود در قبال خانه‌داری نمی‌بیند. مواجهه‌ی او یا با زن خانه‌داری بوده که تمام هم و غم خویش را مصروف خانواده داشته و خود را از رشد و بروز استعدادهای ذاتی محروم کرده، یا با زنی که همزمان با خانه‌داری، اشتغال در بیرون از محیط خانه را بر دوش گرفته و در نتیجه زودتر از موعد دچار آسیب‌های بدنی و روحی شده است. هر دو کاراکتر، قادر نبودند تا

به درستی الگویی از زن خانه‌دار رشد یافته، مسئول و خرسند به دختر امروز نشان دهند و همین علتی بس انکار نشدنی در فرار از مسئولیت خانه‌داری می‌شود.

۳. نگاه غلط عرف به خانه‌داری: اگر اشتغال را به معنای پرداختن به کاری یا توجه قلبی به کسی یا کاری (دهخدا، ۱۳۸۳، ص ۲۶۳۳) بدانیم، زن را محور اصلی تربیت انسان، و خانه را اولین کانون تشکیل اجتماع و انسان‌سازی به شمار آوریم، در این صورت خانه‌داری از مهمترین اشتغالات محسوب می‌شود که کمتر شغلی در جامعه، با لزوم و اهمیت آن به چشم می‌خورد. اما گاهی در عرف، خانه‌داری در مقابل اشتغال به کار می‌رود؛ و زن، خانه‌داری را نوعی حضور بی‌اجر و پاداش در محیط خانه

دانسته و حتی شغل بیرون از خانه را که کار سنگین و خارج از شان اوست، ارزشمندتر می‌داند.

۴. درک نادرست از خانه‌داری: دختران ما درک درستی از مفهوم، وظایف، ابعاد و نتایج خانه‌داری ندارند. خانه‌داری در سطح کیفی دارای نقش‌های عاطفی و تربیتی و در سطح کمی نقش‌های اقتصادی، اجتماعی و خدماتی را شامل می‌شود. زن در ایفای نقش‌ها، باید تعادل را رعایت کند و فقط سرمایه‌های وجودی خویش را محدود به یکی از سطوح ننماید؛ و برخلاف نظری که خانه‌داری را مصادف با فقدان فرصت اشتغال و عدم نقش در اقتصاد می‌داند، حضور زنان در خانه به معنای انجام برخی امور خدماتی، یک «ارزش اقتصادی» است و اتفاقاً تأثیر قابل ملاحظه‌ای در توسعه و بهینه‌سازی چرخه اقتصاد دارند.

مسئولیت مهم انجام خانه‌داری جز در سایه دانش و آگاهی، صبر، حلم، اندیشه و تدبیر ممکن نخواهد شد. از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی زن خانه‌دار باید، روان‌شناس، پرستار، آشنا به فنون تغذیه و امور مالی، هنرمند و در نهایت «همراه اعضای خانواده» باشد؛ همه‌ی این مولفه‌ها، حاکی از این است که زن خانه‌دار بیکار نیست، بلکه کارهای متعددی دارد اما وقتی دختران و سایر اعضای جامعه درک درستی از خانه‌داری ندارند، نسبت به خانه‌داری احساس بی‌ارزشی و غیر مفید بودن می‌کنند و در نتیجه چون اهمیتی برای این مسئله نمی‌بینند از پذیرفتن مسئولیت آن هم می‌گریزند.

۵. احساس «حسرت» و «شرمندگی»: دو حس متداولی است که زنان خانه‌دار بارها مبتلا به آن‌ها می‌شوند. زنی که از تحصیلات عالی برخوردار است، از اینکه خود را خانه‌دار معرفی کند شرمند می‌شود و زنی هم حسرت

جایگاه نداشته‌ای را می‌خورد که اگر وقت خود را مثلاً در امر آموزش صرف می‌کرد، بازدهی و فواید بیرونی بیشتری داشت. متأسفانه برای فرار از تجربه دائمی همین احساسات هم که شده، دختران از مسئولیت‌های خانه‌شان خالی می‌کنند تا حداقل دچار کشمکش‌های روانی با خود نشوند.

۶. عدم تقسیم کارهای خانه بین اعضای خانواده: تقسیم کارهای خانه اولاً، باعث می‌شود تا در انجام امورات منزل، همکاری صورت بگیرد. ثانیاً، این تقسیم کار نشان‌دهنده توجه سایر اعضا به نقش خانه‌دار است. ثالثاً همین توجه باعث می‌شود تا خانه‌دار به اثر و ارزشمندی کار خود پی ببرد و به علاوه در انجام باقی امور به نحو احسن و با حوصله و روحیه مشغول شده و نا امید و یاس، باعث کوتاهی در فائق آمدن وظایف خانه نشود.

یا در ابعاد دیگر، برخی از نگرش اسلام به خانه‌داری سوء استفاده می‌کنند و این مهم را فقط بر ذمه زنان می‌پندارند. درحالی‌که طبق مبانی اسلام، کار زن در خانه، تکلیف او نیست؛ اگر در خانه‌ی شوهر به کار خانه بپردازد، در نزد خدا ماجور خواهد ماند و حتی در قبال آن، می‌تواند از شوهر خود مزد دریافت نماید. در واقع، کار خانه برای زن، نه وظیفه، بلکه شرافت و فضیلتی برای او است. شوربختانه، جمع‌کثیری از مردان، نه تنها در امور منزل، همسر خود را مساعدت نمی‌کنند، بلکه آن را وظیفه‌ی بی‌چون و چرای زن می‌دانند. اگر همانگونه که در اسلام و اسوه‌های دینی، شغل خانگی، با ارزش شمرده می‌شد، و تکلف آن فقط بر عهده زن نبود، این مشکلات هم منتفی می‌شد.

۷. نداشتن هدف: به عنوان آخرین دلیل و مهمترین دلیل عاملی است تا دختران از مسئولیت‌های خانه‌داری سرباز زنند. وقتی فرد به مسئولیت‌پذیری در عالی‌ترین درجه می‌رسد که اعمال، افکار و انتخاب‌های او، بر اساس هدف درستی شکل گرفته باشد. داشتن هدف باعث می‌شود تا فرد مسئولیت و وظایف خود را بپذیرد و نهایتاً به آن هدف برسد؛ اما نداشتن هدف مرتباً باعث بهانه‌گیری شده، فرد را به غایت و دستاورد راضی کننده‌ای نمی‌رساند و در آخر، فرد را در پذیرش مسئولیت‌ها، دچار سستی و کاهلی می‌نماید. اگر هدف از مسئولیت‌های خانه، «تربیت انسان متعالی و ترقی ابعاد او»، نشأت گرفته از اسلام ناب محمدی(ص) باشد، دیگر تکلیف روشن است! و نه فقط خانه‌دار بلکه سایر اعضای جامعه هم به وظایف خود به درستی عمل خواهند نمود.

مسئولیت خانه‌داری، از سیر «دلسردی از نقش»، «فشار نقش»، «شکست در ایفای نقش» عبور کرده و نهایتاً به گریز از مسئولیت‌های خانه رسیده است. برای گره‌گشایی از این بحران لازم است از نفوذ هر عاملی که مسبب این سیر در فرد می‌شود ممانعت به عمل آورد؛ و فراموش نکرد که احساس مسئولیت فقط و فقط به خود فرد بستگی دارد و اگر این حس در شخص، تضعیف شد، به جای شکایت و بهانه جویی می‌باید از راهکارهایی برای افزایش مسئولیت‌پذیری بهره بگیرد.







# خانه‌داری، وظیفه‌ای واجب یا تکلیفی اخلاقی؟



نرگس عابدینی  
دانشجوی کارشناسی مطالعات خانواده

❗ آیا وجود مبارک حضرت زهرا (س) می‌تواند برای جامعه بانوان و دختران امروزی ما الگو و اسوه قرار بگیرند؟

در پاسخ به این سوال یک بحث و پاسخ کلیشه‌ای داریم که بله حضرت زهرا (س) اسوه هستند و ما باید به ایشان اقتداء کنیم. اما اگر بخواهیم به عنوان یک بحث اساسی و کاربردی به موضوع نگاه کنیم. بحث اسوه بودن و اسوه‌پذیری یکی از مهم‌ترین مباحث زندگی است. انسان به عنوان شاهکار آفرینش فطرتاً و ذاتاً کمال‌گرا است و اشتباهی سیری ناپذیر در تکاپوی صعود به مدارج کمال، تعالی و ترقی دارد. در راستای عروج به قله‌های رفیع ترقی و تکامل یکی از مهم‌ترین و کاری‌ترین نیروهای فطری انسان میل به تقلید و اسوه‌پذیری است. انسان همواره به دنبال یافتن قهرمانان و انسان‌های بزرگی است که به عنوان الگویی کامل بتوانند به آن‌ها اقتداء کنند و اساساً دو بال پرواز برای صعود انسان داشتن قانون و برنامه‌ای جامع و داشتن یک الگوی مناسب است.

یکی از معضلات مهم جامعه ما عدم ارتباط نسل‌ها با یکدیگر است. سوالی که امروزه با شبهه مطرح می‌شود و ذهن جامعه جوانان ما را به خود مشغول کرده این مطلب است که حضرت زهرا (س) نمی‌تواند الگو جامعی برای جوانان امروز باشند و دلایلی برای ادعای خود می‌آورند. که در سه محور این دلایل را بیان می‌کنند. یکی اینکه ایشان در ۱۴ قرن و اندی پیش زندگی می‌کردند و این عدم ارتباط نسل‌ها به طور قطع و یقین وجود دارد و این شاید یک واقعیتی باشد که امکان داشته باشد. دومین ادعایشان این است که حضرت زهرا(س) نمی‌توانند اسوه‌ای جامع برای جامعه دختران و بانوان امروزی باشند. چرا که حضرت دارای یک ویژگی‌های خاص

مصاحبه با خانم آل ایوب مدیر حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان دانشگاه الزهرا (س) و استاد گروه معارف در خصوص خانه‌داری حضرت زهرا و الگو برداری بانوان امروزی از ایشان در این زمینه

خانواده واحد مشترکی است که می‌تواند زن و مرد را به اوج تکامل برساند و سلامت روابط خانواده زمینه موفقیت هر یک از زن و مرد در انجام وظایف اختصاصی شان است. به طور کلی بهترین پشتوانه برای زن و مرد در روابط خانوادگی، صفا و نشاط است. که زنان در برقراری این صفا و صمیمیت بسیار موثر و چشمگیر هستند. کلید آرامش، نظم و انضباط و صمیمیت خانواده در دست زنان است. به لحاظ ماهیت جسمانی و تکوینی آن‌ها و ظرافتی که خداوند در وجود زنان قرار داده است. به همین خاطر آسودگی خاطر و آرامش روحی و روانی اعضای خانواده در عرصه فعالیت‌های اجتماعی وابسته به نوع منش و رفتار زن در خانه و خانواده است و این قاعده در قلمرو همه وظایف فردی و اجتماعی جاری است و شاهد این هستیم که همه مردها در حداقل نیمی از موفقیت‌های مادی و معنوی خود وامدار همسران خود هستند. زیرا زنان با درایت و مدیریت به موقع و درک متقابل همسر، گذشت و رفتار شایسته خود کانون خانواده را به بهشتی از شور، نشاط و صمیمیت تبدیل می‌کند.

بانوان جامعه در عرصه خطیر و پر مسئولیت همسرداری، خانه‌داری و تربیت فرزندان بیش از هر چیزی به داشتن یک اسوه جامع نیاز دارند تا با اقتدای همه‌جانبه به سیره عملی آن اسوه بهترین شکل زندگی را تجربه کنند و در این عرصه اسوه‌ای جامع‌تر از فاطمه زهرا(س) پیدا نمی‌شود.



بودند. مانند اینکه پدر ایشان پیامبر بودند، مادرشان حضرت خدیجه و خمیر مایه ایشان از میوه بهشتی تشکیل شده است. همچنین خود حضرت هم صاحب مقام عصمت بوده اند و چون ما از چنین ویژگی هایی برخوردار نیستیم پس نمی‌توانیم ایشان را اسوه خود قرار دهیم. زیرا تفاوت ها زیاد است. دلیل سومی که مطرح می‌کنند. این است که فرهنگ ما با فرهنگ آن زمان تفاوت دارد. باید و نباید ها، مسائل اجتماعی، انتظارات و رسم و رسومات متفاوت است و به موجب این سه دلیل نمی‌توانیم حضرت فاطمه(س) را به عنوان اسوه

**فرمایش پیامبر بر اساس لطافت های تکوینی روح و جسم زن استوار شده. زن را در عرصه خانواده مثل یک گل خوشبو به حساب آورده که به مراقبت و ملاطفت نیاز دارد. البته گل بودن بانوان در کانون خانواده ملاک است نه در میدان‌های سیاسی و اقتصادی.**

“

و الگو انتخاب کنیم. در پاسخ به دلیل اول باید بگویم. که ارزش ها با گذر زمان فرسوده نخواهند شد. به این معنا که خوبی ها و مسائل اخلاقی در هزار سال پیش ارزش اخلاقی بوده‌اند و امروز نیز این چنین است و در آینده هم اینگونه خواهد بود. در پاسخ در مورد اینکه نمی‌توانیم حضرت را الگو قرار بدهیم به علت نداشتن ویژگی‌های خاصی که ایشان دارا بودند، باید گفت که اسوه پذیری در مشترکات انسانی است نه در موهبت های خاص الهی. یعنی نقاط قوت پرتنگی در زندگی حضرت هست که برای هر انسانی اعم از زن و مرد قابل الگو پذیری است. نقاط پرتنگ مهمی در زندگی ایشان و همسرشان وجود دارد که در حقیقت برای هر زوجی که فاقد این موهبت های الهی هستند قابل الگو برداری است. در خصوص نکته سوم باید ذکر کرد که الگوبرداری به دو شکل ممکن است مستقیم و غیرمستقیم. برای مثال با بررسی زندگی ایشان پی به ساده زیستی ایشان می‌بریم و می‌توانیم به صورت غیرمستقیم ایشان را الگو قرار بدهیم و فرهنگ ساده‌زیستی را ترویج کنیم و در زندگی خود پیاده سازی. معاونت همسر ایشان در امور خانه‌داری و اینکه نسبت به زندگی خود احساس مسئولیت داشتند این بُعد زندگی ایشان را به طور غیر مستقیم می‌توانیم در زندگی زوج های امروزی تسری دهیم.

**؟ با توجه به روایت تقسیم کار بین حضرت زهرا(س) و حضرت علی (ع) توافق بر سر کارها چگونه باید باشد؟ و آیا اصلا بانوان مسئول کارهای خانه‌داری هستند؟**

اصولاً در تعیین چگونگی تقسیم کار بحث گسترده‌ای داریم. در باور جامعه شناسان ضروری ترین عامل در استواری هر کانون انسانی تقسیم کار است و تمدن انسانی از احساس نیاز به تقسیم کار شروع می‌شود. جامعه ای را می‌توان متمدن نامید که هر کدام از افراد آن عهده دار یک وظیفه ویژه باشند. به گونه‌ای که در نهایت ثمره همه کارها بین همه افراد آن جامعه به عدالت و انصاف توزیع و تقسیم شود. اولین تقسیم کار در کوچکترین واحد جامعه یعنی خانواده صورت می‌گیرد. این چگونگی تقسیم وظایف بین زن و مرد در عرصه کوچک خانواده زیربنای تقسیم بندی‌های دیگر در پهنه وسیع جامعه

است. پس اینکه چگونه این تقسیم کار صورت بگیرد بسیار مهم است. ما با گستره‌ای از ابهامات در بین زوج‌های جوان مواجه هستیم که بعضاً خانم‌ها به خصوص بین خانم های متدین این بحث مطرح می‌شود که من وظیفه ندارم که در خانه کاری انجام دهم و اگر بخواهم کاری هم انجام دهم باید بابت انجام این کار اجرت دریافت کنم. باید این موضوع را پرورش دهیم که واقعاً این تقسیم کار چگونه است؟ آیا واقعاً بانوان هیچ مسئولیتی در خصوص کارهای منزل ندارند؟ در پاسخ به این سوالات باید گفت که زندگانی اسوه های الهی قطعاً بهترین الگو و بهترین راهبرد برای زندگی زوج های جوان است. زندگی مشترک حضرت زهرا(س) و همسرشان الگویی مناسب است در مسائل خانوادگی. آنچه که در خانه حضرت زهرا(س) صورت می‌گرفت قطعاً از حکمت بیکران الهی الهام گرفته شده بود. تقسیم کار در این خانه نورانی از علم و حکمت پیامبر سرچشمه گرفته بود این که تدبیر و کارهای خانه بر عهده فاطمه(س) و تدبیر کارهای بیرون از خانه بر دوش حضرت علی(ع) باشد. در مورد سند این روایت باید گفت که این روایت در کتاب بحارالانوار جلد ۴۳ صفحه ۸۱ و در کتاب وسائل الشیعه جلد ۱۴ صفحه ۶۲۳ تفسیر برهان جلد ۱ صفحه ۲۸۲ و منابع دیگری نیز مطرح شده است. پیشنهاد پیامبر در مورد تقسیم و توافق بر سر وظایف ناظر بر استعداد های تکوینی و طبیعی هر یک از زن و مرد است. طرحی که در عرصه خانوادگی، نه زن سالاری را ترویج می‌کند و نه مردسالاری را بلکه در بردارنده یک تقسیم کار عادلانه در سایه سار ایثار و صمیمیت است. جامعه جاهلی برپایه مردسالاری بنا شده بود اما اسلام بحث مرد گرایی را در هم شکست و به زنان عزت و شرافت بی نظیر عطا فرمود از دیدگاه اسلام مرد حق ندارد همسرش را به چشم خدمتکار ببیند و کارهای خانه را وظیفه واجب زن بداند. این ایثار، صمیمیت و رأفت یک زن است که زمینه پذیرش کارهای طاقت فرسایی مثل انجام تمام امور خانه‌داری، تربیت فرزندان و همسررداری را ایجاد می‌کند. اسلام مرد را موظف کرده است که مثل گلی پر بها از همسرش مراقبت کند. در زمان پیامبر چشم‌های خطا بینی گمان می‌کردند که زن در عرصه خانواده موظف به انجام هرگونه خدمت است. خطا بودن این نگرش را پیامبر با این بیان نورانی به جامعه انسانی و جوامع آن زمان و همه جوامع دیگر گوش زد کردند که زن گلی است خوشبو، نه قهرمانی نیرومند.

فرمایش پیامبر بر اساس لطافت های تکوینی روح و جسم زن استوار شده. زن را در عرصه خانواده مثل یک گل خوشبو به حساب آورده که به مراقبت و ملاطفت نیاز دارد. البته گل بودن بانوان در کانون خانواده ملاک است نه در میدان‌های سیاسی و اقتصادی.

در مورد وظیفه زنان در خانه و اساس کار آن‌ها در خانه باید گفت که مطابق قانون جمهوری اسلامی که برگرفته از شرع مقدس اسلام است زن دو وظیفه در برابر همسرش دارد. یکی وظیفه تمکین و دیگری کسب اجازه برای خروج از منزل. تمکین در معنی خاص یعنی اینکه زن روابط جنسی با همسرش را به طور متعارف بپذیرد و جز در مواردی که مانع موجهی مثل مانع شرعی یا عقلی مثل بیماری داشته باشد از برقراری رابطه جنسی با همسرش سرباز نزند. تمکین در معنی عام یعنی اینکه زن در برابر همسرش وظایفش انجام دهد و از او در حدود متعارف و قانون اطاعت کند و ریاست همسرش را در خانواده بپذیرد. اجازه خروج از منزل هم در راستای وظیفه تمکین خاص است و اگر زنی این وظایف را انجام ندهد نشوز کرده و ناشزه حساب می‌شود. امام خمینی در کتاب تحریر الوسیله در مورد نشوز می‌فرمایند: نشوز در زن به واسطه کارهایی که انجام آن‌ها بر زن واجب نیست تحقق نمی‌یابد. پس اگر زن از انجام امور منزل و حوائج مرد که به امور جنسی بین آن‌ها ارتباط ندارد مثل جارو کردن غذا

پختن و ... خودداری نماید، نشوز تحقق پیدا نمی‌کند. بنابراین معلوم است که به فتوای امام خمینی انجام هیچ یک از کارهای منزل واجب شرعی زن ها نیست و مرد در این باره و نسبت به این امور حق فرمان دادن به زن را ندارد. زن به ازای تمکین در مقابل همسر نفقه به او تعلق می‌گیرد و اگر زن ناشزه نباشد که مصداق نشوز را گفتیم بر مرد واجب است که نفقه زن را پرداخت کند. علاوه بر آن در قانون مدنی خانواده دیده شده است که اگر زن و مرد از هم طلاق بگیرند مرد موظف است که بخشی از امکانات و مالی که در زندگی یعنی بعد از ازدواج فراهم کرده است را به زن بپردازد. چرا که کار کردن خانم در خانه مثل نظافت، پخت و پز و رسیدگی به امور دیگر منزل در حقیقت وظیفه زن نبوده و از حاصل تلاش در زندگی فراهم شده است. حال اگر بخواهیم فقط نگاه قانونی به زندگی خانوادگی ببیندازیم و زندگی را از باب قانون اداره کنیم. شوهر نمی‌تواند همسر خود را وادار به انجام کارهای خانه کند و این یک حکم قانونی است نه حکم اخلاقی. چنانچه مرد هم می‌تواند در مواردی سخت گیری‌های بی جایی نسبت به همسرش داشته باشد. یا می‌تواند از خرید برخی چیزهایی که زن مطالبه می‌کند سر باز زند. یا بعضی از وسائل زندگی و لوازم زندگی که ضروریات زندگی محسوب نمی‌شوند و جزء امور نفقه نیستند را مرد می‌تواند تهیه نکند. قانون وقتی کاربرد دارد که یکی از طرفین از انجام وظایف خودش سرباز بزند و یا با زورگویی بخواهد که دیگری را وادار به انجام کارهایی بکند. اما اساس زندگی مشترک بر مبنای اخلاق است نه بر مبنای قانون. اینکه دو نفر زیر یک سقف زندگی می‌کنند اخلاق حکم می‌کند که هر کدام به قدر توان باری را بردارند. تقسیم کار پیامبر بین حضرت فاطمه(س) و حضرت علی(ع) نیز بر همین اساس بود که کارهای داخل منزل برای فاطمه(س) و امور خارج از خانه برای حضرت علی(ع) باشد. یعنی برای داشتن یک زندگی خوب ، خوشبخت و موفق نمی‌شود فقط از حقوق کمک گرفت. مواد حقوقی و قانونی تنها در محکمه می‌توانند چاره ساز باشند. اساس یک زندگی خوشبخت بر مدار اخلاق است نه قانون. اخلاق حکم می‌کند که اگر مرد برای اداره خانواده تلاش می‌کند و تمام توانش را برای رضایت همسر و خانواده‌اش به کار می‌گیرد زن هم در منزل اموری را بر عهده بگیرد. یعنی زن و مرد یار و یاور و همراه یکدیگر باشند در زندگی خانوادگی تا هر دو احساس خوشبختی کنند. در روایت های زیادی به ارزش کار منزل اشاره شده است پس کار منزل وظیفه نیست. اما یک نوع حکم اخلاقی و رجحان اخلاقی است. زندگی پادگان نیست که بر اساس قانون امور آن را بخواهیم اداره کنیم. بلکه بر محور اخلاق، ایثار، محبت و صمیمیت باید اداره شود.

پیامبر(ص) در سخنی به حضرت علی (ع) در مورد ارزش و پاداش کمک به همسر در امور منزل می‌فرمایند: هیچ مردی نیست که در کارهای منزل به همسرش کمک کند مگر اینکه پاداش او به هر تار مویی که بر بدنش رویده باشد، ثواب یک سال عبادتی است که تمام روزهایش را روزه گرفته است و تمام شب هایش را به عبادت ایستاده و شب زنده داری کرده است و خداوند به او ثوابی می‌بخشد که به رتبه انبیاء صابر خود مثل حضرت عیسی، داوود و یعقوب بخشیده است. ای علی کسی که در کارهای خانه به همسر خود بدون سرکشی، دل‌تنگی و تکبر خدمت نماید پروردگار اسمش را در دفتر شهدا ثبت می‌کند و برای هر روز و شبش ثواب هزار شهید و به هر قدمی که برمی‌دارد ثواب حج عمره می‌دهد. به هر قطره ای که از بدنش عرق بیاید یک خانه در بهشت منظور می‌نماید. ای علی یک ساعت خدمت کردن به همسر در کارهای خانه بهتر است از عبادت هزار سال، هزار حج هزار عمره و بهتر است از آزادی

هزار بنده در راه خدا، هزار جنگ در راه دین، عبادت از هزار مریض، هزار نماز جمعه، هزار تشیع جنازه، هزار گرسنه‌ای که برای رضای خدای رحمان سیر گردد، هزار برهنه را بپوشاند و هزار اسب در راه پروردگار دادن و برایش بهتر است از هزار دینار به مستمندان صدقه دادن و بهتر است از تلاوت تورات، انجیل، زبور و قرآن و بهتر است از آزاد کردن هزار اسیر. ای علی کسی که روی گردانی و تکبر نکند در خدمت به همسرش بدون حساب وارد بهشت می‌شود. ای علی خدمت به همسر کفاره و پاک کننده گناهان کبیره و خاموش کننده خشم پروردگار است.

خیلی خوب است که زوج‌های جوان ما به نکات اخلاقی توجه داشته باشند و بدانند که واقعاً کار منزل در حقیقت وظیفه خانم خانه نیست. بلکه خانم از روی ایثار، محبت و گذشتی که خودش در زندگی احساس می‌کند و خودش برای خودش این را وظیفه تلقی می‌کند، امور منزل را عهده دار می‌شود. ضمن اینکه پیامبر(ص) با تقسیم کاری که در زندگی حضرت زهرا(س) انجام دادند به چنین امری توصیه فرمودند که رسیدگی به امور منزل وظیفه واجب نیست بلکه به عنوان یک وظیفه اخلاقی تقسیم کار صورت گرفته است.

**؟ آیا مسئولیت داشتن بانوان در منزل باعث عدم حضور و مسئولیت پذیری در جامعه است؟**

نکته مهمی که همه انسان‌ها خصوصاً خانم ها باید توجه لازم را به آن داشته باشند این است که واقعاً مسئولیت پذیری و پرورش حس مسئولیت یکی از وظایف بسیار مهم انسان است و اینکه والدین یکی از مسئولیت های خود را، پرورش حس مسئولیت در فرزندانشان بدانند. اگر والدین ما از ابتدا به عنوان یک وظیفه قطعی و مهم این را برای خود امر مسلم بدانند که باید روی فرزندان خود کار کنند و حس مسئولیت را در فرزندان پرورش دهند قطعاً فرزندان و نسل جوان احساس خوشبختی و رضایت مندی در زندگی خود خواهند داشت.

با نگاهی جامع به زندگی حضرت فاطمه و به گواهی تاریخ وجود ایشان از دوران طفولیت تا آخرین لحظه حیات پیامبر در حساس ترین موقعیت‌ها، بزرگترین پشتوانه روحی برای پدر گرامیشان بود. تاریخ بعنوان الگویی تمام و کمال و مهم برای زندگی جوانان به خصوص دختران ما حضرت زهرا و زندگی شان را معرفی می‌کند. الگویی که هیچگونه تیرگی و ابهامی در آن وجود ندارد.

رهبری می‌فرمایند: شما جوانی که در دوره پیشرفت علمی، صنعتی و تکنولوژی و دنیای متمدن زندگی می‌کنید از الگوی خویش در ۱۴۰۰ سال پیش چه انتظاراتی دارید؟ توقع دارید که الگوی شما در کدام بخش مشابه وضع کنونی شما را داشته باشد که از آن بهره ببرید؟ ایشان می‌فرمایند: در شخصیت هر انسانی خصوصیات وجود دارد که باید آن‌ها را مشخص کنیم و الگو را در آن‌ها جستجو نماییم. انسان دو گونه می‌تواند با حوادث و مسائل پیرامون خود برخورد نمایند، یکی مسئولانه و دیگر بی‌اعتنا. مسئولانه هم انواع و اقسامی دارد با چه نگرشی با آینده؟ با چه روحیه ای؟ در ادامه می‌فرمایند که: حضرت زهرا(س) شش ساله بودند که قضیه شعب ابی طالب اتفاق افتاد که دورانی بسیار سخت بود. دعوت پیامبر شروع شده بود بزرگان مکه مثل ابولهب و ابوجهل چاره‌ای جز اخراج پیامبر و یارانش از مکه نداشتند. از دست دادن ابوطالب و حضرت خدیجه بر فشار روحی پیامبر اضافه کرد. اما حضرت زهرا در این شرایط سخت را ببینید که مثل یک مادر، پرستار و مشاور برای پیامبر بودند



دختری که تنها ۶ یا ۷ ساله بوده است و این نشان دهنده احساس مسئولیت ایشان بود. آیا برای یک جوان حضرت زهرا(س) نمی‌تواند الگو باشد که نسبت به مسائل پیرامون خود احساس مسئولیت و احساس نشاط می‌کند؟ حضرت زهرا(س) آن سرمایه عظیم نشاط وجود خود را خرج کردند برای اینکه غبار کدورت و غم را از چهره پدری که حدود ۵۰ سال از سن او گذشته است پاک کند. آیا این بُعد از زندگی فاطمه(س) نمی‌تواند برای یک جوان الگو باشد؟

برخی این ایراد را دارند که حضرت زهرا(س) یک زن خانه‌دار بوده است اما می‌بینیم که دوران مسئولیت‌پذیری ایشان از کودکی شکل می‌گیرد که خود را در برابر پدر مسئول می‌دانند و تمام سرمایه خود را خرج می‌کنند تا از پدر خود از لحاظ روحی و روانی و عاطفی پشتیبانی کنند. حضرت فاطمه(س) برای روزهای سخت زندگی در کنار همسر خود حضرت علی(ع) آماده می‌شود.

### ❗ آیا بودن در خانه و خانواده و ایفای نقش تعارضی با حضور زن در اجتماع دارد؟ و آیا برای بانوان هم رسالت اجتماعی وجود دارد؟

حضرت زهرا(س) در کنار وظایف همسری و مادری یک بانوی سیاسی و انقلابی است که همه افراد سیاسی و انقلابی باید از زندگی فاطمه(س) درس بگیرند. فعالیت اجتماعی برای زنان نه تنها مذموم نیست بلکه در مواردی اتفاقاً بسیار پسندیده و بسیار مورد سفارش قرار گرفته است. برخی از افراد این نظر را داشتند که حضرت زهرا(س) در محیط خانه زندگی کردند و در محیط خانه و خانواده رسالت اجتماعی نداشتند و اگر بانوان جوان بخواهند به ایشان اقتدا کنند پس نقش اجتماعی آن‌ها چه می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که این تصور غلط است. حضرت زهرا(س) از طرفی نقش دختری برای پیامبر دارند و از طرفی همسر فردی بزرگ بودند پس قطعاً رسالت اجتماعی داشتند. فعالیت اجتماعی در زندگی حضرت زهرا(س) پررنگ است زندگی ایشان پر از حضور های اجتماعی مثل حضور در کنار پدر و همسر در برخی جنگ‌ها، تدریس و آموزش و سخنرانی‌ها. زندگی فاطمه دریایی پهناور از تلاش و مبارزه تا روز شهادت شان بوده است. ایشان بانویی بودند ولایت مدار و امام محور. در خصوص حضور اجتماعی حضرت فاطمه(س) در اجتماع در کتاب کفایه الاثر مرحوم شیخ حر عاملی آمده است که محمد بن اصریل در مورد امامت حضرت علی(ع) با بانو گفت و گویی داشته است. (این گفتگو نشانگر حضور اجتماعی حضرت



زهرا و بُعد علمی ایشان است که کمتر کسی به این بُعد پرداخته است. محمد ابن اصریل از حضرت زهرا(س) پرسیدند که اگر حق با علی(ع) بوده است چرا حضرت از حق خود دست کشیدند؟ ایشان در جواب محمد بن اصریل می‌فرمایند که: به گفته پیامبر(ص) مثل امام مثل کعبه است مردم به دور کعبه می‌چرخند نه کعبه به دور مردم. مردم هستند که باید به سراغ امام خود بروند نه امام به سراغ مردم برود. حضرت زهرا(س) در مبارزه سیاسی خود روزها در کنار شهدای احد می‌رفتند و با گریه و زاری و شکوه از مردم آن روزگار به علت بیعت با نا اهلان، اعتراض خود را بیان کردند و این خود نشان دهنده رسالت اجتماعی حضرت می‌باشد. اگر ایشان صرفاً خانه‌دار بودند و بعد اجتماعی برایشان اهمیت نداشت هرگز چنین کاری نمی‌کردند. حضرت امکان این را داشتند که در فضای بی تفاوتی و سکوت به سر ببرند اما هرگز دچار این بی تفاوتی اجتماعی نشدند. در حالیکه بهانه هایی برای سکوت وجود داشت. مثل بارداری، داغدار پدر بودن، زن بودن، مادر بودن و... اما هیچ یک از این دلایل مانع از حضور ایشان در اجتماع و حرکت جهادی نشد. زندگی درخشان حضرت زهرا(س) بیانگر این است که تکالیف اجتماعی خاص مردان جامعه نیست بلکه هر جا که بانوان احساس ضرورت و تکلیف کنند در میدان نبرد و جهان آماده اند. فعالیت‌های اجتماعی نه تنها امری ناپسند برای زنان نیست بلکه با رعایت شرایط اخلاقی بسیار ممدوح و پسندیده است و مورد تاکید. آنچه که برای زنان پسندیده است کسب تخصص های مورد نیاز زنان در امور اجتماعی، پزشکی و آموزشی و برنامه ریزی است. حضور بانوان در این عرصه‌ها برای زنان ضرورت دارد. آنچه که ممنوعیت دارد اصل حضور زنان در اجتماع نیست بلکه خودنمایی و بی مسئولیتی در حفظ حیا و عفت عمومی جامعه است. خداوند در مورد هم صحبتی زنان با مردان در سوره احزاب می‌فرماید: زن‌ها با مرد‌ها به گونه ای سخن نگویند که بیمار دلان طمع کنند. پس بحث صحبت نکردن نیست بلکه اشاره به عادی صحبت کردن است. از زندگی حضرت زهرا(س) و روایت‌ها به این نتیجه می‌رسیم که زندگی ایشان بهترین و جامع ترین الگو برای زنان و جامعه است و حضور ایشان در اجتماع می‌تواند راهگشا باشد برای جامعه جوان امروزی ما البته با حفظ حریم و شئون اخلاقی مورد تاکید شرع مقدس.

در روایتی حضرت زهرا(س) بیان کرده اند که: بهترین چیز برای زنان این است که نه مردی او را ببیند و نه او مردی را ببیند. برخی افراد از این روایت سوء استفاده کردند و آن را بد بیان کرده‌اند. این روایت سخن حضرت زهرا(س) در جواب سوال سلمان فارسی بوده است. این روایت معتبر که نمایانگر فرهنگ اخلاقی حضرت زهرا(س) و سیره علمی آن حضرت است دست مایه برخی شبه افکنی‌ها در روزگار ما شده است و بعضی از افراد با استناد به این گونه روایات این تفکر بی اساس را در سطح جامعه تعبیر می‌کنند که سیره فاطمه برای دختران و زنان امروزی نمی‌تواند اسوه و الگویی مناسب باشد زیرا چنین روایتی از ایشان وجود دارد. بله شاید چنین چیزی در آن روزگار عملیاتی بوده است اما در جامعه امروزی که زن و مرد باید با هم کار کرده و زندگی را اداره کنند و در واقع زن بازویی برای مرد در مسئله اقتصادی خانواده باشد دیگر نمی‌توان اینچنین گفت. این حدیث و ارتباطش با مسائل اخلاقی باید بیان شود. کلمه «خیر» در این روایت گویای این حقیقت است که بیان حضرت زهرا(س) در سیره مذکور یک رجحان و مزیت است. به عبارت دیگر حضرت زهرا(س) در مقام بیان یک امر ایده‌آل و ترجیحی است امری که رعایتش یک رجحان و برتری است. مادامی که ضرورتی پیش نیامده

عمل به این نکته بهتر و مطلوب‌تر است در واقع پیام و روح این روایت حکایت از این دارد که در شرایط ایده آلی که حضور زن‌ها در اجتماع و ارتباطشان با نامحرمان ضرورتی ندارد مطلوب ترین سیره برای زنان حضور در منزل، تدبیر امور خانواده و پرهیز کامل از مردان نامحرم است. اگر بانوان ما احتیاجی به فعالیت اقتصادی نداشته باشند یا در عرصه تعلیم و تعلم نیازی به استاد مرد یا شرکت در کلاسهای مختلط نباشد یا برای درمان بیماری پزشک زن به قدر کفایت وجود داشته باشد و رجوع به پزشک مرد هیچ ضرورتی نداشته باشد مسلماً بهترین سیره زندگانی برای بانوان همین خواهد بود که در منزل و در محل سکونت و آرامش خودشان قرار بگیرند و به شئون خانوادگی اعم از همسررداری، تربیت فرزند، تدبیر امور منزل، کمک به خودکفایی خانواده و اموری از این قبیل بپردازند. اگر هنری هم دارند زمینه انجام ظهور آن را در منزل فراهم بکنند و اگر نیاز به تعلیم و تعلم دارند آن را در ارتباط با دیگر خانم‌ها در مراکز مخصوص خانم‌ها به سامان برسانند. این شرایط، شرایطی کاملاً بهینه و مطلوب است در شرایطی که نیازی به ارتباط زن‌ها با مرد‌ها نیز بهتر این است که زن با مردی ارتباط نداشته باشد. اما این هرگز به معنای ممنوعیت قانونی نیست. از دیدگاه اسلام زن با رعایت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی و در صورت نیاز می‌تواند در عرصه‌های اجتماعی وارد شوند و هیچ منعی از آن نیست. به عبارت دیگر حکم بیان این روایت یک توصیه اخلاقی ترجیحی است نه یک حکم قانونی و تکلیفی. حضرت زهرا(س) کلمه واجب را به کار نبردند بلکه در این روایت از کلمه بهترین استفاده کرده‌اند پس، سیره حضرت زهرا(س) و زنان مورد تایید پیامبر(ص) گویای این واقعیت است که در صورت ضرورت فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان هیچ معنی ندارد و کردار و رفتار بانو فاطمه(س) برای هر عصر و زمانی الگو است اما باید توجه کرد که کلام ایشان اشاره به امری رجحانی دارد.

### ❗ اداره منزل و همسررداری چگونه انجام شود که هم زنان به رسالت خود عمل کرده باشند و هم فشار روحی و روانی را متحمل نشوند؟

بحث کاردر خانه یک حکم اخلاقی است و نه یک واجب شرعی. وظایف انسانی را می‌توان در سه دسته کلی خلاصه کرد: دسته اول وظایف مشترک بین زن و مرد است، وظایفی که هر کدام از مرد و زن باید به طور مستقل انجام بدهند تا به کمال نهایی نزدیک شوند. دسته دوم وظایفی هستند که مختص بانوان است، وظایفی که به سبب ویژگی‌ها و استعداد‌های ویژه زن‌ها صرفاً به آن‌ها اختصاص پیدا کرده است. ساختمان بدن و روحیه لطیف زن اقتضا می‌کند که کارهای نیازمند ظرافت، دقت، درایت و لطافت به او محول شود. مثل دوران حمل، شیردهی، تربیت فرزند، همسر داری و امور منزل. وظایف بانوان به مراتب مهمتر از وظایف و کار آقایان است زیرا برخی از این کارها را خانم‌ها هم می‌توانند انجام دهند اما کارهای بانوان را هیچ مردی نمی‌تواند انجام دهد. پس نقش زن بودن و خانم بودن بسیار مهم است. دسته سوم وظایفی هستند که بر اساس توانایی‌ها و ظرفیت‌های تکوینی جسم و روح به آقایان اختصاص پیدا می‌کنند و اقتضا می‌شود که کارهای سخت و سنگین تر را که نیازمند قدرت و قاطعیت و صلابت است را مردان انجام دهند مثل فعالیت اقتصادی برای تامین نیازهای مالی خانواده، فعالیت سیاسی و اجتماعی، جنگاوری و جهاد.



می‌کردم. پیامبر فرمود بشنو از من آن چیزی را که به امر پروردگار می‌گویم. هیچ مردی نیست که در کارهای منزل به همسرش کمک کند مگر اینکه ثواب این کار او به اندازه هر تار مویی که بر بدنش روییده باشد و به اندازه یک سال عبادتی است که همه روزهایش را روزه گرفته و همه شب‌هایش را برای عبادت، شب زنده‌داری کرده باشد.

### ➤ زنان ریحانه‌های خانه هستند

این نوع نگاه اسلام را رهبری در دو موقعیت مختلف و در تفسیر یک حدیث بسیار دقیق تبیین نموده‌اند: «در داخل خانواده، از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. می‌فرماید: «المرأة ریحانة»؛ زن گل است. این مربوط به میدان‌های سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست؛ این مربوط به داخل خانواده است. «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة»؛ این چشم و دید خطا بینی را که گمان می‌کرد زن در داخل خانه موظف به انجام خدمات است، پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کند. این، آن نگاه اسلامی است.»

زنان از هر قوم و ملتی و در هر مقطعی از تاریخ همیشه در امر خانه‌داری به صورت داوطلبانه مشغول به فعالیت بوده و هستند و به میل فطری و علاقه باطنی خود خانه‌داری را همیشه با سلیقه و درایت انجام داده‌اند و نیازی به امر و دستور نبوده است. لذا در شرع مقدس اسلام به خاطر رعایت حال زنان به جهت ضعف بدنی ایشان و تحمل بیماری ماهانه و مشقات دیگری همچون بارداری، امر وجوبی صادر نشده است تا کسی حق نداشته باشد زنان را به کاری مجبور نماید و ایشان به صلاح دید خود و در مواقع آسودگی اقدام نمایند.

حاصل آن‌که زن مسلمان به تأسی از حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌تواند در عین خانه‌داری که بسیار شغل شریف و ارزشمندی است به کسب علم و دانش و معرفت و آموختن هنرها و مهارت‌ها بپردازد تا با مدیریت آگاهانه و ماهرانه نقش مهم همسری و مادری و تربیت فرزندان را همراه با حضور اجتماعی ایفا کند و از این رهگذر به سعادت دنیا و آخرت نائل شود.

بنابراین بسیاری از کارهایی که ما به عنوان کار خانه می‌شناسیم، جزء وظایف پدران است و اسلام زن را به هیچ وجه مسئول انجام کارهای خانه نمی‌داند. همه اصرار شرع نیز بر امر اطاعت زن از شوهر فقط در دو مسئله تمکین و خروج از خانه به اذن شوهر است و زن مکلف به اطاعت از شوهر در انجام کارهای شخصی او نیست.

در مورد اهمیت کار کردن مرد در خانه و کمک به همسر روایاتی وجود دارد که در رساله حقوق امام زین العابدین(ع) و همچنین در جلد ۱۳ کتاب «بحارالانور» و «جامع الاخبار» نوشته شده است.

در این روایت، حضرت امیرالمومنین(ع) تعریف کرده‌اند: «یک روز پیامبر اسلام وارد منزل ما شد. در آن موقع فاطمه در حال پخت غذا کنار ظرفی بود و من برای او عدس‌ها را تمیز



# زن ریحانه خانه

## خانه نه خدمتگزار



سمیرا رحمتیان  
دانشجوی کارشناس مطالعات خانواده

دادن کارهای خانه ندارد و می‌تواند در مقابل آن اجرت دریافت کند؛ اما اسلام وقتی می‌خواهد شکل اخلاقی را مطرح کند می‌گوید خانه‌داری زن معادل جهاد است و برای او عبادت محسوب می‌شود. در بحث حقوقی مخاطبش مرد است و خطاب به او می‌گوید تو نباید خانه‌داری را وظیفه زن بدانی، نباید او را بازخواست کنی یا زیاده‌خواه باشی و اصل این است که وقتی همسرت کار خانه را انجام می‌دهد باید سیاستگزار او باشی؛ این یعنی حالت طلبکاری از سمت مردان در قبال خانه‌داری زنان را تخطئه می‌کند؛ اما در بحث اخلاقی، مخاطب زنان هستند. اسلام زنان را تشویق می‌کند که کارهای خانه را با عشق و محبت نسبت به اعضای خانواده انجام دهند و اجر و ثواب بسیاری برای آن قرار می‌دهد. همین نوع نگاه باعث می‌شود که زن هرکدام از کارهای خانه را که می‌خواهد انجام دهد احساس نزدیک شدن به خدا پیدا کند و همین حالش را خوب‌تر می‌کند و خستگی‌اش را کمتر.

کارکردن و زحمت کشیدن در محیط خانه به جهت اصلاح امور خانواده امری مستحب و بسیار پسندیده است و مختص به زنان یا مردان نیست. بلکه اگر بخواهیم از حیث تکلیف به آن بنگریم برای هر کسی واجب است که خود کارهای شخصی خودش را انجام دهد. مهمان‌داری نیز وظیفه هر مسلمانی است و اختصاص به زنان ندارد و درمورد کارهای مربوط به نگهداری و پرستاری کودکان، پدر و مادر هر دو مسئولند و اگر بخواهیم در این زمینه نظر اسلام را با نگاهی موشکافانه مطرح کنیم، اسلام کودک را به پدر نسبت می‌دهد و در صورت طلاق، پدر را مکلف به نگهداری کودک می‌داند و در زمان شیردهی نیز مادر را مجاز می‌داند که از پدر طلب مزد و شیر بها کند. مادر همچنین می‌تواند در ازای کارهایی که برای کودک انجام می‌دهد از پدر تقاضای مزد داشته باشد.

خانه‌داری، انجام دادن امور داخلی منزل است، مانند نظافت، پخت‌وپز، آراستن خانه، مهمان‌داری و غیره.

در جامعه شناسی، خانه‌داری به کار بدون دستمزدی اطلاق می‌شود که به منظور حفظ اعضای خانواده یا منزل انجام می‌شود. تعبیر کلی تدبیر منزل، در فرهنگ اسلامی در کتاب‌هایی مانند المنطق، قابوسنامه، السیاسة و اخلاق ناصری مطرح شده، اما این تعبیر اعم از خانه‌داری است و درباره خانه‌داری با تعریف سنت اسلامی، پژوهش چندانی نشده است.

خانه‌داری از منظر اسلام شغل بسیار شریف و ارزشمندی است. پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگامی که بین علی و فاطمه (علیهما السلام)، تقسیم وظایف کرد، فرمود: «کارهای بیرون از خانه مانند آوردن آب و مواد غذایی سهم علی (علیه السلام)، و کارهای درون خانه مانند: آشپزی و نظافت منزل سهم فاطمه (سلام الله علیها) است.» فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمود: «خدا می‌داند چقدر از این تقسیم کار شادمان شدم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سختی کار بیرون را از عهده‌ی من برداشت.»

در ارزش معنوی زحماتی که زن در خانه می‌کشد، همین بس که در روایت آمده است: «زنی که به خاطر اصلاح امور منزل شیئی (اثاثیه‌ای) را جا به جا کند، خداوند به او نظر رحمت می‌کند و کسی که خدا به او نظر رحمت کند، دیگر عذابش نمی‌کند.»

نوع نگاه اسلام به این موضوع منطقی‌ترین و زیباترین شکل ممکن را برای خانه‌داری بیان کرده است. عموم دستورات اسلام در مورد خانواده دو وجه حقوقی و اخلاقی دارد.

از نگاه حقوقی گفته می‌شود که زن وظیفه‌ای برای انجام



# فقه چه می گوید:

## زن یک ملکه یا یک خدمتکار؟



محیاناری

دانشجوی کارشناس ادیان و عرفان



اسلام با تبیین سیمای حقیقی زن و زدودن غبار اوهام و خرافه، حقوق مالی فراوانی را برای وی اثبات کرد و ترسیم مالکیت مالی زن در سه فرض مالکیت اصلی، تبعی و حمایتی مهم‌ترین دلیل بر توجه این نظام حقوقی بر حفظ حقوق زنان است. بر اساس این ساختار حمایتی مالی، تمام داری‌های قانونی متعلق به زن (ارث، مهر، نفقه، درآمد حاصل از کسب و... ملک مطلق اوست و انجام هرگونه تصرفی در آن مختار است؛ برخلاف حقوق مالی متعلق به شوهر که فرزندان، همسر، پدر و مادر به عنوان افراد تحت تکفل در مصرف آن شریک هستند و حتی با ضمانت اجرای کیفری حق مطالبه از درآمدهای مالی وی را دارند. از جمله حقوق مالی که به رسمیت شناخته شده (اجرت المثل) کارهای زوجه است. این موضوع در سه ماده مطرح شده: تبصره‌ی الحاقی ماده ۳۳۶ق.م. بند «ب» تبصره‌ی ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق و ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده. این مقاله مبانی قانون حق زوجه را مبنی بر دریافت حق الزحمه برای کار در خانه از نظر اسلام و ایران؛ چنین حقی در دادگاه‌ها مورد اجرا قرار می‌گیرد و مورد بررسی قرارش می‌دهند.

### + مبنای فقهی اجرت المثل

در فقه امامیه برای استحقاق عامل نسبت به اجرت المثل عمل خویش، به صورت عمده به دو دلیل استفاده می‌شود: قاعده فقهی احترام به مال و عمل مسلم؛ یعنی لزوم احترام مال و نیروی کار مسلمان را موجر حق مطالبه اجرتی می‌داند، همچنین ارزش مال تصرف شده و عمل انجام شده‌ی مالک یا، عامل دانسته شدن و عنوان حقوقی استیفا از عمل غیر نیز بهره‌گیری از عمل دیگر را به صورت حصول شرایط استیفا، موجب پرداخت مالی می‌داند که بر عهده شخص هست؛ یعنی همان اجرت المثل می‌داند.

### + قاعده احترام به مال و عمل مسلم

احترام به مال و عمل مسلم به این معناست که نمی‌توان در مال مسلم به صورت مجانی تصرف کرده و به حقوق او تعدی و ستم نموده، زیرا تجاوز به حقوق او جایز نیست. همین طور اگر عملی از جانب او انجام شود، مورد احترام بوده و باید اجرت آن پرداخت شود. این قاعده نه تنها در صورت توافق طرفین بر انجام معامله، بلکه حتی در صورت فساد معامله هم با اعتقاد داشتن به حقوق مستحق،

پرداخت اجرت المثل را لازم می‌داند. یکی از جریان‌ها این قاعده ( اظهار کار انسان ) دانسته و بیان شده است که هرگاه شخصی به دستور یک شخص دیگر کاری را انجام دهد، که عرفا دارای ارزش اقتصادی بوده و بدون قصد تبرع انجام گرفته است؛ عامل، مستحق دریافت اجرت المثل عمل خویش است. مستند این مالی که بر دوش دیگری است، قاعده احترام است.

### + استیفا از عمل غیر

استیفا از توافق بین دونفر شکل می‌گیرد، این عمل یک ضمانتی، برای پرداخت اجرت المثل است. از طرفی هم استحقاق فرد برای دریافت اجرت المثل کار خودش وابسته به شرایطی از جمله: لزوم داشتن آن امر به انجام دادن کار توسط عامل، عدم قصد به تبرع یعنی انجام دادن کاری به صورت مجانی و مورد آخر عامل از انجام کار و ارزش عرفی داشتن کار انجام شده است که یعنی عرف آن کار را پذیرفته باشد.

حالا ما این همه راجع به قصد عدم تبرع صحبت کردیم، اما بازش نکردیم که اصلا این اصطلاح چی هست؟ یکی از شرایط استحقاق زن به اجرت المثل در مقابل کارهای خانه به موجب قسمت ( الف تبصره ۶) این است که کارهای مذکور تبرعی نباشد، فقها در ضمان استیفا عمل به غیر شرط استحقاق را تبرعی نبودن عمل ذکر کرده اند؛ و در استحقاق اجرت المثل کارهای زن در خانه که شرعا به عهده وی نبوده نیز یکی از شرایط، نداشتن قصد تبرع و انجام عمل به صورت مجانی بیان کرده‌اند. در صورت اختلاف بین زن و شوهر در مورد تبرعی بودن یا نبودن عمل، در صورت فقدان قرینه بر اثبات آن، به دلیل اصل عدم تبرع قول زوجه پذیرفته می‌شود و مدعی بودن عمل، یعنی زوج که ادعای وی خلاف اصل است باید ادعای خود را ثابت کند.

### + رویه قضایی

کیفیت اجرای تبصره شش قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، در آرای محاکم بدون تجدید نظر و دیوان عالی کشور در نقد و ارزیابی تصویر روشنی برای محققین و قضاوت محاکم ترسیم می‌کند. به موجب اصلاح مقررات مربوط به

طلاق، ترتیباتی برای صدور حکم طلاق ضروری است. ارجاع امر به داور ( ماده واحده و تبصره یک ) صدور گواهی عدم امکان سازش بر اساس رای داوران ( ماده واحده و تبصره ۲) تعیین حقوق شرعی و قانونی زوجه و تعیین تکلیف حق الزحمه کارهایی که شرعا به عهده زن نبوده است ( از طریق تصالح‌ریال یا عمل به شرط ضمن عقد در خصوص مسائل مالی، یا محاسبه اجرت المثل و یا تعیین نحله) از جمله این امور است. از آنجا که موضوع مورد بحث، اجرت المثل و شرایط آن یا جایگزین دیگری به نام نحله است. آرای مورد ارزیابی قرار گرفته که روی موضوع مذکور متمرکز باشند. لذا شرایط پرداخت حق الزحمه کارهای زوجه، اجرای شروط ضمن عقد و محاسبه اجرت المثل و نحله، به ترتیب زیر در آرای دیوان عالی کشور، تعقیب شده است.

### + مبنای فقهی نحله

در بحث از مبنای فقهی نحله عموماً به آیاتی از قرآن کریم در این رابطه استفاده می‌شود. کلمه نحله در قرآن در سوره نساء آیه ۴ آمده است. در سوره می‌فرماید: و اتوا النساء صدقاتهن نحله فان طبن لکم... (مهر زنان را به طور کامل به عنوان یک بدهی (یک عطیه) به آن‌ها بپردازید). در این آیه (صدقات) جمع صدق به معنای مهریه است لذا این آیه بیان می‌دارد که مهریه زنان را به خودشان به عنوان عطیه یا بدهی پرداخت نمایند. خداوند در سوره بقره آیه ۲۴۱ می‌فرماید: (للمطلقات متاع بالمعروف حقا علی المتقين) برای زنان مطلقه بهره‌ای شایسته است چنان که در خور مردان پرهیزکار باشد. از نحله در این آیه تعبیر به امتاع یا کالا شده است. لغت شناسان هرچیزی که به نوعی از آن نفع برده شود را متاع یا متعه می‌نامند. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲:۷۵۷)

### + مالکیت های حمایتی

#### ۱: مهریه، عاملی در تعدیل روابط زوجین

مهریه یا صدق، یکی دیگر از امتیازهای در نظر گرفته شده برای زنان در نظام حقوقی اسلام است. در کتاب حقوقی، مهریه توافق مالی زن و مرد، در نکاح دائم و موقت تعریف شده که ایجاد حق برای

زوجه و تکلیف برای زوج در تادیه و پرداخت آن می‌کند، با توجه به این نکته که مهریه عندالمطالبه است. ( زمانی درمزاری ۱۳۷۸:۷۹) در ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی آمده است: مهریه عبارت است از مالی که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزوم به دادن آن به زن است.

### + ۲: نفقه، راهکار حمایت مالی از زنان در حقوق خانواده

به استناد ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، از جمله حقوقی که با انعقاد نکاح دائم برای زن در نظر گرفته شده، حق دریافت نفقه از شوهر است. فصل هشتم از باب هفتم جلد دوم قانون مدنی، به حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر اختصاص یافته است. مطابق با ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی، همین که نکاح به طور صحیح واقع شود رابطه‌ی زوجیت بین طرفین ایجاد و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود.

نفقه در لغت به معنی آنچه صرف هزینه‌ی عیال و اولاد کنند. هزینه‌ی زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش، آمده است. (دهخدا ۱۳۴۷:۶۳۷)

طبق مواد ۱۱۰۴، ۱۱۰۳، ۱۱۱۴ق.م. حسن معاشرت، معاضدت در تشیید مبنای خانواده تربیت اولاد و سکونت در منزل شوهر از تکالیف زوجه محسوب می‌شوند، اما این عناوین بسیار کلی هستند و تفسیر موسع از آن‌ها برای استحقاق زوجه بر دریافت اجرت المثل و تصویب تبصره‌ی الحاقی ماده ۳۳۶ق.م جایگاهی باقی نمی‌گذارد. زوجه استحقاق دریافت حق الزحمه کارهایی را که خارج از وظیفه شرعی و قانونی در خانه انجام می‌دهد را دارد. مهم‌ترین وظیفه زن در زندگی زناشویی، تمکین و مقدمات تمکین است، یعنی اطاعت کردن از همسر به حدی که شرع مشخص کرده است. در نظام حقوقی اسلام، حمایت از حقوق زنان به شکلی است که رعایت دقیق حقوق معنوی مورد توجه بوده و اصول حاکم بر نظام خانواده و نظام جمعی لحاظ شده است. در راستای تامین اهداف مذکور و همچنین گسترش حمایت از زنان، بر مبنای فقه و حقوق، چارچوب حمایتی ویژه‌ای در قالب ساختار نظام مالکیت اصلی و بالذات، تبعی و حمایتی در نظر گرفته شده است. استقلال کامل مالی و آزادی در کسب و تصرف زن در اموال خود، در حقوق اسلام و ایران شناخته شده است.

# خانه‌داری در قانون مدنی



الهام بابایی  
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق

عنوان مدعی با دلایل محکمه پسند اثبات کند که در طول زندگی مشترک به قصد کسب درآمد و اجرت در منزل شوهر کار کرده است و اگر این موارد اثبات شود دادگاه اجرت المثل کارهای انجام شده را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌کند.

خانه‌داری متاسفانه در قانون تعریف نشده است اما از لحاظ عرفی به انجام دادن کارهای وابسته به خانه، خانه‌داری می‌گویند. نگهداری از خانه بخشی از خانه‌داری است که می‌تواند شامل کارهایی مانند آشپزی، شست‌وشو، نگهداری از فرزندان، خرید و... می‌باشد. به زنی که شغل اصلی او خانه‌داری است زن خانه‌دار می‌گویند و همچنین به مردی که پیشه‌ی اصلی او خانه‌داری است مرد خانه‌دار می‌گویند. در سال‌های اخیر در ایران تلاش شده است تا خانه‌داری یک شغل تلقی شود و زنان خانه‌دار نیز بیمه شوند. در تقسیم بندی کارها بین زنان و مردان کارهای خانه به زنان رسیده است که کاری بدون درآمد است و از نظر مالی زنان به مردان وابسته می‌شوند. کار کردن زن در خانه‌ی شوهر و دستمزد قانونی آن بر اساس ماده ۳۳۶ قانون مدنی اگر کسی اقدام به عملی کند که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد، مستحق اجرت آن عمل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود قص عدم تبرع داشته است.

## ✚ شرط تحقق اجرت المثل

بر اساس رویه قضایی موجود در دادگاه‌ها با عنایت به تفاسیر مختلف عده‌ای از حقوق‌دانان در مورد رایگان بودن یا نبودن کارهای زنان در خانه و به رغم تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی شرط تحقق اجرت المثل را به زنان پس از اجرای طلاق و با تقاضای زوج می‌دانند و معتقدند که در صورتی زنان استحقاق دریافت اجرت المثل را دارند که بیرون از خانه مبادرت به کسب درآمد برای پرداخت مخارج خانواده نمایند و به عنوان نیروی کار فعالیت داشته باشند. همانطور که در بعضی مناطق جغرافیایی زنان پا به پای مردان به دامداری و قالی بافی و کشاورزی و... می‌پردازند نه زنانی که صرفاً به امور خانه‌داری می‌پردازند یا در بیرون از خانه مشغول کار بوده و فرزندان در مهد کودک یا مراکز مشابه نگهداری می‌شوند و غذا نیز از بیرون تهیه می‌شود. در خصوص اهمیت و پاداش کار و خدمات زن در خانه احکام و سفارشات زیادی موجود است، از جمله از حضرت رسول اکرم (ص) در صفحه ۱۷۵ در جلد ۱۵ وسایل الشیعه روایت شده: (( هر زنی که به عنوان اصلاح تربیت کارهای منزل چیزی را جابه‌جا کند خداوند با نظر لطف و رحمت به او می‌نگرد و هر کس که خداوند با لطف به او نگاه کند او را در آتش نمی‌سوزاند.)) صرف نظر از ارزش معنوی والای زحمات زنان لذا با توجه به اینکه کار کردن زن در خانه با احراز شرایط خاصی طبق قانون مستحق دریافت حقوق است و شامل تمامی زنان نمی‌شود، لیکن تصویب این قانون گام مهمی در جهت صیانت از حقوق زنان جامعه و اهمیت و ارزش گذاری و تکریم خدمات و فعالیت‌های بانوان در خانواده است.

## ✚ شروط مطالبه‌ی اجرت المثل

- ۱: اجرای حکم طلاق در دفترخانه رسمی.
- ۲: متقاضی طلاق باید مرد باشد.
- ۳: زن نیز درخواست مطالبه اجرت المثل نماید.
- ۴: تقاضای طلاق از سوی شوهر بخاطر نشوز زن نباشد.
- ۵: زن برای دریافت دستمزد در خانه‌ی شوهر کار کرده باشد.

## ✚ اجرت المثل

در صورتی اجرت المثل به زن تعلق می‌گیرد که کاری که انجام می‌دهد عرفاً دارای ارزش اقتصادی باشد و اینکه حتماً به دستور شوهر کار کرده باشد وگرنه اگر زن به قصد تبرع و بنا بر عواطف در منزل شوهر کار کرده باشد و کارهایی انجام داده باشد که شرعاً بر عهده او نبوده است مستحق دریافت اجرت المثل نخواهد بود. اثبات قصد عدم تبرع امری بسیار مهم است که زن به



سرویس:

فرهنگ و رسانه



# «زنان در پستو»

● سیاه نمایی نقش زنان در رسانه ●



مآنده نیساری  
کارشناسی نقاشی

رسانه‌ها نقش موثر و انکارناپذیری در ایجاد فرهنگ و ترویج آن دارند. در عصر دیجیتال و گسترش رسانه‌های مجازی و رسیدن اخبار بی‌واسطه به عامه جامعه، وظیفه‌ی رسانه‌ها سنگین‌تر و مهم‌تر می‌شود؛ به طوری که رسانه در زندگی امروزه‌ی مردم در سبک کالای نیازهای اولیه‌ی آن‌ها قرار دارد. رسانه‌ها نقش اساسی در ترویج ارزش‌ها و باورهای فرهنگی دارند و ارزش‌های یک جامعه را نیز شکل می‌دهند مثلاً موضوع حضور زنان در رسانه از جمله ارزش‌ها و باورهایی است که امروزه چالش‌های متفاوتی را تجربه می‌کند. تصویری که رسانه‌ها از زن می‌سازند و به مخاطب خویش القا می‌کنند آیا با جهت‌گیری مصلحت‌اندیشان‌های ساخته و پرداخته شده یا دارای سوء‌گیری است؟ یا حتی تصویری که از زن در مطبوعات و رسانه‌های سمعی و بصری و تئاتر ارائه شده متفاوت با ارزش‌های اسلامی است؟ تصویری که امروزه رسانه‌ها از زنان شاغل و خانه‌دار بازتاب می‌نماید تصویری بسیار کلیشه‌ای است به طوری که حتی نمی‌شود آن را به درصد زیادی از مشکلات و معضلات زنان تطابق داد. تصویری کلیشه‌ای از زنان شاغل که تمام وقت و انرژی زندگی‌شان را در شغل و کارکردن در محیط خارج از خانه می‌بینند و یا تصویری که از زنان خانه‌دار به نمایش می‌دهند تصویری است که خانه‌داری و نقش مهم آن کم‌رنگ و بی‌اهمیت و گاهی ساده لوحانه ارائه می‌گردد. زنان خانه‌داری که مقابل دوربین می‌روند و همیشه در آشپزخانه یا در حال سرک کشیدن به زندگی دیگران نمایش داده می‌شوند. تصویری که رسانه در جامعه از زنان بازنمایی می‌کند موجب بیشتر شدن چالش‌های پیش روی زنان می‌شود؛ زنانی وابسته و متکی که نه در متن بلکه در حاشیه سرپال‌ها و فیلم‌ها حضور دارند، البته که تعداد اندکی از سرپال‌ها

می‌گذارد. تصویری که از زنان خانه‌دار برای مخاطب بازنمایی می‌شود تأکید بر ویژگی‌هایی چون ناآگاهی اجتماعی و به تصویر کشیده شدن در حصار تنگ موضوعات، دعوای و آشتی‌های خانوادگی، نگرانی‌های فکری برای تربیت و حل مشکلات فرزندان به تنهایی و بدون حمایت عاطفی پدر خانواده، هم‌چنین پراشتباه نشان دادن تصمیم‌های آن‌ها و کسب نتایج نامطلوب و بعد سرزنش پدران و دخالت و حل مشکل، نامعقول نشان دادن تصمیم‌های زنان و تأکید بر عاطفی و احساسی بودن این تصمیم‌گیری‌ها و مسائلی از این قبیل، تصویری از زنان خانه‌دار می‌سازد که غیرقابل اعتماد و اتکا است. هم‌چنین، نگاه زنان خانه‌دار به خودشان را تحت تأثیر قرار داده و عملاً آن‌ها را بیش‌تر متکی و وابسته به دیگران خواهد کرد. زنان شاغل نیز این بازنمایی‌ها بیش‌تر از این که نشان دهنده‌ی توانایی‌ها و شایستگی‌های آن‌ها باشد، نمایش دهنده‌ی مسائل و مشکلاتی است که اشتغال در وضعیت زندگی خانوادگی آنان به وجود می‌آورد و موجب نارضایتی اعضای خانواده می‌شود. بازنمایی تصویر زنان در رسانه نیاز به یک بازبینی و فرهنگ‌سازی گسترده‌ای دارد که اولین قدم آن از خانه رسانه می‌گذرد.







ما شاهد زنی هستیم که تمایل به ارتباط دارد اما اعتماد به نفس آن در سایه حضور مداوم در خانه از بین رفته است. انگار مرزی نامرئی بین این زن و جهان بیرون کشیده شده و در واقع بین او و دنیای بیرون از خودش نیز فاصله می‌اندازد. مرزی که زن داستان ما سعی دارد از آن عبور کند اما در بین تضادهای تناقض‌ها در مانده است. تناقض میان آن‌چه که هست و آن‌چه باید باشد.

در یکی از قسمت‌های فیلم طاهره از دخترش آرزو می‌خواهد که بادمجان‌ها را سرخ کند و زمانی که برمی‌گردد تمام آن‌ها سوخته است طاهره عصبانی می‌شود، آرزو نتوانست همانی باشد که باید باشد، همان بادهای سفت و سخت. آرزو شکست خورده است و بنابراین بی‌عرضه و دست و پا چلفتی خطاب می‌شود، طاهره خشمگین است و این عصبانیت تمام‌اش به خاطر همین اتفاق نیست این را ما می‌دانیم که به عنوان مخاطب نمی‌بیش‌تر از روز را همراه او بوده‌ایم. او حالا به این بهانه فرصتی پیدا کرده است که فریاد بزند که نفسی بکشد و خستگی خود را فریاد بزند. خستگی‌ای که بسیار طبیعی است اما زن قصه نمی‌تواند آن را بپذیرد و یا درک کند. داد می‌زند و فریاد می‌کشد و باز همان نگاه پر از یاس و خستگی نمایان می‌شود.

مرد خانه سر کار است و تمام بار خانه روی دوش زن خانه است. فضای خانه و نور پردازی انعکاسی از احوال طاهره را به ما می‌رساند. فیلم به شکلی نمایش داده می‌شود که بیننده خود را در خانه و همراه نقش اصلی احساس می‌کند.

فضای خانه دلگیر و خفه است، خانه‌ای دل‌گیر و شلوغ در ابتدای روز برای یک زن خانه‌دار، روزمره‌ای خسته کننده که فقط خودش در ابتدا شاهد آن است و این بار تفاوت این است که ما هم همراه او هستیم. با او قدم برمی‌داریم و نظاره‌گر احوال او هستیم. فضا به قدری خوب چیده شده و البته بازی درخشان هنگامه قاضیانی به قدری باور پذیرست، که ما دل آشوبه و درماندگی او را به خوبی درک می‌کنیم.

حال این زن خوش نیست اما چندان اهمیتی ندارد چرا که آن‌چه که مهم است، زن خوب بودن است. فیلم سراسر صحنه‌هایی است که شاید چندان دیالوگی نداشته باشد اما گویای احوال طاهره است و سرشار از پیام‌هایی که قابل تأمل است. ما در این مطلب بیش‌تر به صحنه‌هایی پرداخته‌ایم که در آن ملال و روزمرگی یک زن خانه‌دار و اندوه عمیق یک زن نشان داده می‌شود، اما همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم به قدری دیوارهای اطراف این زنان بلند است که شنیدن صدایشان قطعاً غیر ممکن نیست اما بسیار سخت است.

بسیار مناسب این سکانس است، اندوه درون طاهره که خودش در تمام طول فیلم سعی دارد آن را نبیند و به نوعی آن را نادیده می‌گیرد. در همان ابتدا ما شاهد زنی مهربان و وظیفه‌شناس در قبال دیگران و بی‌توجه به خود هستیم.

سکانس دیگری از فیلم که درخور توجه است، قسمتی که طاهره وارد خانه می‌شود و این اولین سکانس آشنایی ما با فضای خانه طاهره است. فارغ از فضای خانه و نورپردازی که در ادامه به آن می‌پردازیم نکته قابل توجه در این سکانس، پیغامی که طاهره از مادر خودش دریافت می‌کند؛ که از پیغام‌گیر پخش می‌شود. این‌جا متوجه می‌شویم که طاهره قصد سفر دارد اما هنوز خیلی مصمم نشده است. محتوای پیام بسیار جالب است، مادر او کاری به احوال طاهره ندارد موضوع مهم از نظر او مدرسه بچه‌ها است. این که اگر قرار است بیایی پس مدرسه آن‌ها چه می‌شود؟ همین پیام معنای بسیاری را در بر دارد این که بچه‌ها مهم‌تر هستند. این یک پیغام به ظاهر ساده است اما نگرش غالب در ذهن مادر طاهره را نشان می‌دهد. این همان نگرشی است که از طریق تربیت قطعاً به طاهره نیز منتقل شده است. اما هرچه فیلم بیشتر به سمت جلو حرکت می‌کند کهنگی و نخ‌نمایی این طرز فکر بیش‌تر خودش را نشان می‌دهد.

در ابتدای متن از دیوارهای بلندی صحبت کردم که اطراف زنانه مانند طاهره کشیده شده است. این که حتی اگر این زنان به خود جرئت و جسارت حرف زدن بدهند و بخواهند کمی از محدوده امن خود خارج شوند، این دیوارها به قدری بلند است که این اجازه را به آنان نمی‌دهد. طرز تفکر مادر طاهره یکی از همین دیوارهای بسیار بلند است، که طاهره در ابتدای امر به آن برمی‌خورد و دو به شک می‌شود.

در سکانس‌های بعدی طاهره شروع به کار می‌کند و اتوماتیک وار خودش را بین حجم شلوغی از کار خانه پیدا می‌کند. مشغول می‌شود میز صبحانه را جمع می‌کند، لباس‌های چرک را در لباس شویی می‌ریزد، وسایل بچه‌ها را از وسط اتاق جمع می‌کند. همه چیز باید تمیز شود، همه کارها باید انجام شوند و تنها چیزی که در این میان اهمیتی ندارد حال خود طاهره است.

خانه تمیز است. همه چیز همان‌طور است که باید باشد اما حال این زن خوش نیست؛ همچنان اما نگرش کهنه‌ی زن خوب خانه‌دار و مادر با مسئولیت و داستان‌هایی از این قبیل، پیش‌تاز است و این پیش‌تازی خودش را در سکانسی که طاهره در حال گریه کردن است اما همچنان در حال کار کردن است، نشان می‌دهد.

همین سادگی

## این زن حالش خوش نیست

• در باره فیلم به همین سادگی •



مهسا ابراهیمی  
دانشجوی کارشناسی مطالعات خانواده

روند فیلم روندی تک خطی و مسکوت است. جریان فیلم به این شکل پیش می‌رود که ما را به آرامی با فضا و جریان زندگی طاهره آشنا می‌کند. داستان طاهره داستان بسیاری از زنانی است که در اطراف ما هستند، حضور دارند اما آن قدر دیوارهای بلندی در اطراف آن‌ها کشیده شده‌اند که حتی اگر لب به سخن هم باز کنند کسی صدایشان را نمی‌شنود.

از سکانس ابتدایی فیلم شروع می‌کنیم، این سکانس در واقع مقدمه‌ای از احوال طاهره را به ما می‌گوید.

زنی با چادر گل‌دار و زمزمه‌ای مغموم که غرق در خود است. درحالی که پشت بام خانه ایستاده او زن همسایه چندین بار او را صدا می‌زند تا طاهره به خودش می‌آید و پاسخ می‌دهد. واژه اندوه

فیلم به همین سادگی ساخته رضا میرکریمی در سال ۱۳۸۶ که به عنوان بهترین فیلم ۲۶ امین جشنواره بین‌المللی فجر انتخاب شد.

نقش اصلی این فیلم توسط هنگامه قاضیانی ایفا می‌شود، با همان ظرافت و هنرمندی خاصی که از او سراغ داریم.

خلاصه داستان فیلم از این قرار است که ما با یک روز از زندگی زنی به نام طاهره همراه می‌شویم. طاهره زنی خانه‌دار است که همسرش مهندس است و دو فرزند به نام‌های علی و آرزو دارد. شاید با خواندن این توصیفات او را زنی خوشبخت و بی‌دغدغه بدانیم اما همان سکانس‌های ابتدایی فیلم نشان می‌دهد که این تفکر درست نیست.



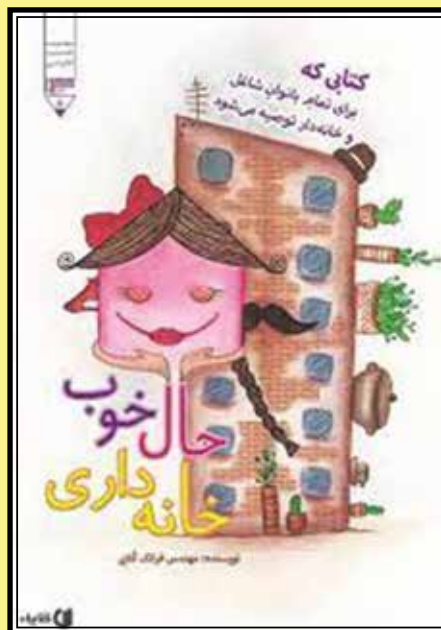
## معرفی کتاب:

# حال خانم خانه خوب است؟

معرفی کتاب حال خوب خانه‌داری



زهرا ملکوتی پور  
دانشجوی کارشناسی مطالعات خانواده



خانه‌داری را بر عهده دارم؛ فکر می‌کنم در حق ما خانم‌هایی که شاغل هستیم، اجحاف بزرگی شده است؛ چون ما هم خانه‌دار هستیم. ما هم می‌بایست مانند همه بانوان دیگر، غذا بپزیم. خانه را جارو و گردگیری کنیم. قابلمه‌های سنگین را بلند کنیم و روی گاز بگذاریم. ترشی و مربا بپزیم. مهمان دعوت کنیم و روغن را که روی برنج می‌ریزیم، عطر آن تا هفت تا همسایه آن طرف‌تر برود. در عوض باید سر کار هم برویم. صبح‌ها زودتر بیدار شویم و برای هم قطاران مان لقمه‌های رنگ و وارنگ بگیریم. خیلی اوقات هم کیسه‌های میوه و سبزی را بلند می‌کنیم. سبزی قورمه‌سبزی‌مان همیشه به راه است و مجبور می‌شویم، تا پاسی از شب، مرغ پاک کنیم و دلمه‌های برگ مو را به صورت پنج ضلعی، همان‌طور دقیق و زیبا- درون قابلمه بچینیم. چیزی از عطر و بوی غذاهای ما کم نمی‌شود. ما هم فسنگان‌های ترش و شیرین می‌پزیم و گاهی دلمان لک می‌زند، پنج دقیقه بیشتر بخوابیم. روزهای تعطیل هم خوش به حال مان می‌شود، چون خواب و صبحانه‌اش به یک دنیا می‌ارزد.

مدت زمان زیادی است که می‌نویسم، اما خیلی دلم می‌خواست چیزی بنویسم که به درد بانوان سرزمینم بخورد. تصمیم گرفتم خانه‌داری را لذت‌بخش کنم. یک طور دیگر به آن نگاه کنم. طوری که مانند یک تفریح باشد، آدم دست و دلش به کار برود.

حالا دیگر همه از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. توجه کرده‌اید که برنامه‌های تلفن همراه شما، بعد از مدت کوتاهی، باید به‌روزرسانی شوند؟ من هم می‌خواهم خانه‌داری را به‌روزرسانی کنم.

زمانی که مشغول تحقیق و کُندوکاو در مورد خانه‌داری بودم، متوجه شدم، تعداد زیادی از بانوان، از خانه و زندگی‌شان راضی نیستند. اغلب زنان، دست و دلشان به کارهای خانه نمی‌رود. خیلی اوقات در خانه هستند و با

وجودی که زمان زیادی دارند، اما حتی یک سوپ معمولی نمی‌پزند. خیلی از زنان از شانس حرف می‌زنند و مدعی هستند که خدا بدهد شانس، زن برادرشان که در خانه‌ی پدرش رو به انزوا می‌رفت، حالا برو و بیایی پیدا کرده و شده ملکه‌ی خانه‌ی او. والا اگر آن‌ها هم از این شانس‌ها داشتند که ایل می‌کردند و بل می‌کردند.

### راستی دلیل ناراضی‌تای زنان چیست؟

در این کتاب به دلایل ناراضی‌تای زنان می‌پردازیم و کمی در مورد زنان موفق که به آن سوی بهانه‌ها پرواز کرده‌اند، صحبت خواهیم کرد و در انتها، خانه‌داری را به روز می‌کنیم. خانه را مانند برمودایی جادویی، تلقی می‌کنیم. به گوشه و کنار آن، سر می‌زنیم و رادارهای خانه را بررسی می‌کنیم و در انتها، نقش افراد مختلف یک خانواده را بازگو می‌کنیم. نقشی که با خوشبختی افراد مختلف خانواده پیوند خورده است.

کتاب حاضر، تمامی رفتارها، احساسات و درونیات زنان را با ذکر مثال مورد بررسی قرار می‌دهد و در همین بررسی‌ها، راه‌حلی برای بهبود شرایط روانی مطرح می‌کند.

گاهی اوقات زنان به خصوص زنان خانه‌دار دچار روزمرگی در زندگی شوند. زیرا در حال انجام هر روزه‌ی کارهایی مانند آشپزی، شست‌وشو، فرزندداری و ... در درازمدت بسیار طاقت‌فرسا است و باعث خستگی زنان می‌شود.

زنان خانه‌دار موفق‌تری را به شما معرفی می‌کند تا با دیدن الگوها امیدوار شوید و ادامه دهید.

این کتاب به تمام زنان برای رهایی از حال بد توصیه می‌شود.

### در بخشی از کتاب حال خوب خانه‌داری می‌خوانیم:

راستش را بخواهید من هرگز خانه‌دار نبوده‌ام، اما وظیفه

کتاب حال خوب خانه‌داری نوشته خانم فرانک کلابی در انتشارات گیوا در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.

این کتاب برای تمام زنان خانه‌دار و شاغل است. برای آن دسته از خانم‌هایی که از وضعیت خود ناراضی هستند و دچار حس بی‌کفایتی و کمبود اعتماد به نفس نسبت به باقی افراد جامعه مخصوصاً زنان دیگر دارند، می‌توانند با کمک این کتاب از تمام این حس‌ها رها شوند و به دنیای رنگی خود بازگردند تا باز هم با شادی و اعتماد به نفس به زندگی ادامه دهند و به رشد برسند.

کتاب حال خوب خانه‌داری به دلایل ناراضی‌تای زنان از خانه‌داری پرداخته است و به زنان می‌آموزد که چگونه در هر شرایطی از زندگی خود لذت ببرند. به دنبال پیشرفت و استقلال باشند و بهانه‌هایی که باعث این ناراضی‌تای و احساس عقب ماندن زنان در جامعه می‌شود را دور بریزند.





## در کمین شماست مراقب باشید! درباره سرطان پستان



معصومه آزادی  
دانشجوی کارشناسی مطالعات خانواده

متوقف می‌شوند ولی سلول‌های سرطانی خیلی سریع‌تر رشد می‌کنند و این رشد تا اندازه‌ای ادامه پیدا می‌کند که باعث تخریب سلول‌های مجاور می‌شود و برخلاف سلول‌های سالم، رشد سلول‌های سرطانی پایان نمی‌پذیرد. این رشد و تکثیر غیرعادی نتیجه‌ی تغییرات و یا جهش‌های ماده‌ی ژنتیکی DNA و درون آن‌هاست. این وضعیت می‌تواند از والدین به ارث برسد یا اینکه در اثر مواجهه‌ی زیاد و طولانی مدت با مواد جهش‌زا ایجاد می‌شود. البته عوامل دیگری نیز در ایجاد این بی‌نظمی در رشد سلولی تاثیر دارند.

شایع‌ترین نوع سرطان پستان، سرطان با منشأ مجاری شیری است و از آنجا که این بافت بیشتر در یک چهارم بالای و خارجی پستان وجود دارد، در حدود نیمی از سرطان پستان در ربع فوقانی آن یافت می‌شود.

سرطان پستان مانند سایر سرطان‌ها چهار مرحله دارد. مرحله اول کاملاً قابل‌علاج و قطعی است. مرحله‌ی دوم و سوم مرحله‌ی کلینیکی است که بیمار باید تحت درمان‌های خاص و شیمی‌درمانی قرارگیرد. اما مرحله‌ی چهارم زمانی است که بیماری در حدی پیشرفت کرده که اقدامی برای آن نمی‌توان انجام داد. مرحله‌ی بندی به منظور پی بردن به این نکته است که سرطان در چه وسعتی و در کجای بدن قرار دارد. دانستن

یکی از شایع‌ترین سرطان‌ها در زنان ایرانی سرطان پستان است. البته سرطان پستان سرطانی‌ست که هم در زنان و هم در مردان شایع است اما میزان شیوع آن در زنان بسیار بیشتر از مردان است. به طوری که از هر ۸ زن ۱ نفر در طول عمرش مبتلا به سرطان پستان می‌شود و ۱ نفر از ۵ نفرکسانی که تشخیص داده می‌شوند زیر ۵۰ سال دارند. حدود دو سوم در سنین بالاتر از ۵۰ سال هستند. سرطان پستان در مردان تنها ۱٪ از کل موارد مبتلا به سرطان پستان را شامل می‌شود.

سرطان پستان از پستان شروع می‌شود و از رشد کنترل نشده‌ی سلول‌ها در بافت پستان به وجود می‌آید. تومورهای پستان می‌تواند خوش‌خیم یا بدخیم باشد. تومورخوش‌خیم، تومورهایی هستند که خطری برای سلامتی ندارند و سرطانی نیستند. به این معنا که سلول‌های آن‌ها در ظاهر طبیعی بوده، به آهستگی رشد می‌کنند و به بافت‌های مجاور سایر قسمت‌های بدن حمله نمی‌کنند. تومورهای بدخیم، تومور سرطانی محسوب می‌شوند و در صورت عدم کنترل می‌توانند نهایتاً به سایر قسمت‌های بدن هم گسترش پیدا کنند.

مانند تمام سرطان‌ها، سرطان پستان از یک سلول آغاز می‌شود. سلول‌ها با طرح ژنتیکی مشخص و قوانین سلولی معینی رشد می‌کنند و بعد از رسیدن به مرحله تکامل سلولی



# سرفیس:

# فیزيولوژي



مرحله سرطان برای پزشک برای تعیین پیش آگهی بیماری و انتخاب مؤثرترین درمان ضروری است.

### عوامل خطر سرطان سینه:

هر چیزی که احتمال ابتلا به سرطان سینه را افزایش دهد عامل خطر محسوب می‌شود. اما داشتن یک یا چند عامل خطر به معنای داشتن اطمینان از ابتلای بیماری نیست. برخی از عوامل خطر مانند سابقه خانوادگی و سن را نمی‌توان تغییر داد اما برخی از عوامل خطر وجود دارند که قابل کنترل هستند.

عوامل خطرزا مرتبط با سبک زندگی: این عوامل شامل موارد و عادت های شخصی مانند رژیم غذایی و فعالیت های بدنی می‌باشد. مواردی مانند تصمیم گیری در مورد فرزندآوری و مصرف داروهای هورمونی نیز در این زمینه اثرگذار است. عادت هایی مانند مصرف الکل، اضافه وزن و چاق بودن، نداشتن فعالیت فیزیکی، بچه دارنشدن تا قبل از ۳۰ سالگی، شیر ندادن و جلوگیری از بارداری، ایمپلنت های پستان، هورمون تراپی بعد از یائسگی و... از عواملی هستند که می‌توانند منجر به این نوع سرطان شوند.

برخی موارد مانند: بالا رفتن سن یا تغییرات ژنتیکی خاص وراثتی در اختیار افراد نیستند و احتمال ابتلا به سرطان سینه را بالا می‌برد. این موارد شامل: زن متولد شدن، بالا رفتن سن، داشتن سابقه خانوادگی در سرطان سینه، نژاد و قومیت (خانم‌های سفیدپوست نسبت به خانم‌ها آفریقایی و آمریکایی بیشتر در معرض ابتلا به این بیماری هستند)، شروع زودرس قاعدگی، یائسگی در سنین بالا و... است.

### نشانه ها و علائم سرطان پستان:

در ابتدا ممکن است هیچ علامتی نداشته باشد، برجستگی به اندازه ای کوچک باشد که افراد به تنهایی نتوانند آن را احساس کنند. به طور معمول مناطق غیرعادی در ماموگرافی مشخص شده و منجر به آزمایش های بعدی می‌شود. اولین نشانه‌های آن یک توده یا برجستگی در پستان است که بیمار یا پزشک می‌توانند آن را احساس کنند. توده‌ای بدون درد، سفت و همراه با لبه های نامنظم که سرطانی به نظر می‌رسد ولی گاهی اوقات این توده می‌تواند مدور و تا حدودی نرم باشد، بنابراین هر مورد غیرعادی در آن توسط پزشک حائز اهمیت است.

از جمله نشانه های سرطان سینه، ترشح نوک پستان، تغییر شکل در نوک سینه، تورفتگی نوک سینه، حفره حفره شدن

پوست، بزرگ شدن غدد لنفاوی زیربغل، قرمزی و یا تورم، وجود توده یا افزایش ضخامت در آن و یا در ناحیه ی زیر بغل و... است. داشتن یک یا چند مورد بیشتر از این علائم به این معنا نیست که به سرطان سینه مبتلا شده اید.

### سه روش شناخته شده برای تشخیص زودرس سرطان پستان:

خودآزمایی پستان و معاینه‌ی فیزیکی، معاینه‌ی پستان توسط پزشک، بررسی سابقه پزشکی، ماموگرافی، ام آرای، بیوپسی

هر خانمی باید به یاد داشته باشد که در اثر حاملگی، افزایش سن، یائسگی و یا حتی مصرف داروهای ضدبارداری یا سایر داروهای هورمونی ممکن است تغییراتی در آن انجام شود. ورم کردن یا حساس شدن آن‌ها قبل از شروع قاعدگی و یا حین آن دوره بسیار متداول است.

### درمان:

عمل جراحی، شیمی درمانی، هورمون درمانی و درمان‌های بیولوژیک از موارد درمان سرطان هستند. بسیاری از زنان بیش از یک نوع دریافت می‌کنند. انتخاب درمان اساساً بستگی به مرحله‌ی پیشرفت بیماری دارد.

### درمان سرطان به صورت موضعی و یا فراگیر (سیستمیک) انجام می‌شود:

درمان موضعی: جراحی و پرتو درمانی درمان‌های موضعی هستند که این نوع درمان سرطان را سرکوب می‌کنند. زمانی که سرطان به قسمت‌های دیگر بدن گسترش پیدا کنند باید از درمان موضعی جهت کنترل بیماری در این مناطق استفاده کرد.

### درمان سیستمیک:

شیمی درمانی، هورمون درمانی و درمان های بیولوژیک درمان‌های سیستمیک هستند. در این نوع درمان موادی را وارد جریان خون می‌کنند و سرطان در سراسر بدن سرکوب می‌شود. برخی از زنان که سرطان دارند، درمان سیستمیک می‌شوند که تا قبل از جراحی یا پرتودرمانی تومور کوچک شود، برخی دیگر جراحی یا پرتو درمانی انجام می‌دهند تا از بازگشت سرطان جلوگیری شود. از درمان سیستمیک برای سرطان هایی که در بدن گسترش یافته اند استفاده می‌کنند.

# بیماری‌ها در کمین زنان خانه‌دار، از جسم تا روان...



سمانه احمدی  
کارشناسی مهندسی صنایع

در جامعه و قدرناشناسی نسبت به تلاش زنان خانه‌دار، خشونت، نداشتن مشارکت اجتماعی، کمبود مراکز تفریحی، بالا بودن هزینه‌ها جهت تفریح و پرکردن اوقات فراغت از جمله علل بروز افسردگی در میان زنان خانه‌دار است.

علائم افسردگی بسیار متنوع است که از آن جمله عدم لذت بردن از زندگی زناشویی تا دو هفته، اختلال در خواب به صورت پر خوابی و کم خوابی، اختلالات در خوردن اعم از پر خوری و کم خوری، عدم تمرکز، احساس یاس و ناامیدی و احساس گناه را می‌توان از عوامل موثر در افسردگی نام برد که در صورت عدم توجه به این نکات می‌تواند به خودکشی منجر شود.

جدا از بیماری‌های روحی‌ای که ممکن است خانم‌های خانه‌دار به آن مبتلا شوند، بیماری‌های جسمی دیگری هم در کمین آنان است. بیماری‌هایی که علت آن عدم توجه خانم‌ها به چگونگی انجام فعالیت‌های روزمره و ارتباط آن با سلامتی ایشان است.

### سندرم کانال مچ دست

سندرم کانال مچ دست، شایع‌ترین بیماری در زنان خانه‌دار است که مهمترین علت آن استفاده زیاد از دست‌ها برای شستشو در طول شبانه روز است.

این سندرم معمولا در زمان پیش از عید که زنان خانه‌دار می‌خواهند تمامی کارهای منزل را برای انجام خانه تکانی عید، در کمترین زمان به پایان برسانند، شایع می‌شود. این بیماری با علائم گزگز کردن در نیمه‌های شب آغاز شده و با بی‌حس شدن انگشتان دست، موجب بی‌خوابی افراد مبتلا به این سندرم می‌شود.

خانه‌داری یکی از عناوینی است که به خانم‌های غیر شاغل تعلق می‌گیرد. در حالی که همین عنوان به ظاهر کوچک، شغلی است با مسئولیت‌های بسیار و بدون حقوق مادی و قانون کار.

درست است که هیچ کجا قانون کاری در مورد زنان خانه‌دار وجود ندارد و یا حقوق مادی‌ای شامل حال آنان نمی‌شود، ولی این به این معنا نیست که خانواده مسئولیتی در قبال رعایت حقوق معنوی آنان ندارند.

عشق ورزی و ابراز علاقه و قدردانی از زحمات آنان می‌تواند بهترین حقوق معنوی آنان باشد.

حقوقی که اگر رعایت نشوند می‌توانند منجر به بروز بیماری‌های روحی بسیاری در زنان خانه‌دار شود.

از جمله...

### افسردگی

افسردگی یکی از اختلالات شایع در کشور ما و در جهان است و در کشور ما نیز بین ۲۰ تا ۲۵ درصد افراد جامعه در طول زندگی خود با این بیماری درگیر می‌شوند.

این در حالی است که حدود نیمی از مبتلایان به افسردگی یا از بیماری خود بی‌خبرند یا بیماری آن‌ها چیز دیگری تشخیص داده می‌شود.

به گفته رئیس انجمن روانشناسی ایران این بیماری در خانم‌ها نسبت به آقایان بیشتر مشاهده می‌شود.

از جمله نقش‌های اجتماعی که با این قضیه بیشتر درگیراند، خانم‌های خانه‌دار هستند.

احساس تنهایی، ترک خانه توسط فرزندان، کار بدون دستمزد، فقر اقتصادی، بها ندادن به ارزش اقتصادی و اجتماعی



افرادی که دچار سندرم مچ دست می‌شود باید به پزشکی مراجعه کرده و با تجویز پزشک از درمان‌های دارویی یا فیزیوتراپی استفاده کنند. برای پیشگیری از بروز این سندرم باید سعی کنند ضمن کاهش فعالیت‌هایی که از طریق دست صورت می‌گیرد، کارهای روزانه را به گونه‌ای برنامه ریزی کنند که زمانی را هم به استراحت و نرمش دادن دست‌ها اختصاص دهند.

خانم‌ها برای بلند کردن وسایل سنگین نباید کمر خود را خم کنند بلکه باید با خم کردن زانو‌ها این کار را انجام دهند تا از این طریق به جای اینکه فشار ناشی از وسایل سنگین به کمر وارد شود این فشار به مفصل ران منتقل شده و از گرفتگی‌های عضلانی و دردهای ناگهانی عضلات به ویژه کمر جلوگیری شود.

### + آرتروز

در سال‌های اخیر به دلیل رواج استفاده از وسایل الکترونیکی و افزایش پشت میز نشینی میزان شیوع بیماری‌های مفصلی از جمله آرتروز بسیار رواج پیدا کرده است.

میزان شیوع بیماری‌های مفصلی از جمله آرتروز در بین زنان خانه‌دار بسیار شایع‌تر است چرا که زنان خانه‌دار در طول روز به مدت طولانی برای انجام کارهای خانه سر پا می‌ایستند و به کرات خم و راست می‌شوند. همین امر سبب بروز بیماری‌های مفصلی از جمله آرتروز در بین این افراد می‌شود.

یکی از علل اساسی این بیماری، کمبود کلسیم و ویتامین D در بین زنان و دختران ایرانی است. کمبود کلسیم خصوصاً در بین زنان بالای ۵۰ سال سبب پوکی استخوان شده و شکستگی‌های استخوانی ناشی از این امر بسیار شایع است.

زنان و دختران برای پیشگیری از بیماری‌های مفصلی به ویژه آرتروز باید مصرف لبنیات کم‌چرب را در رژیم غذایی روزانه

خود گنجانده و با ورزش منظم و اصولی از بروز بیماری‌های مفصلی و آسیب‌های استخوانی پیشگیری کنند.

### + روماتولوژی

درد روماتولوژی را باید از شایع‌ترین بیماری‌ها در بین زنان خانه‌دار دانست و زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل بیشتر در معرض بیماری‌های مفصلی همچون زانو درد و کمر درد قرار دارند.

زنان خانه‌دار نسبت به خانم‌های شاغل زمان بیشتر برای استراحت دارند؛ درحالی که می‌توانند از این فرصت برای انجام فعالیت‌های مختلف همچون انجام ورزش‌های مناسب، پیاده روی و تحرک به جا استفاده کنند که متأسفانه اینطور نیست.

انجام ورزش‌های مناسب راهکار بسیار خوبی به منظور جلوگیری از بیماری‌های مفصلی در بین زنان به ویژه زنان خانه‌دار است، خوشبختانه در سال‌های اخیر در پارک‌ها مکان و وسایل‌های مناسب ورزشی نصب شده است که خانم‌ها می‌توانند از این امکانات به نحو احسن استفاده کرد؛ هرچند قبل از نصب این امکانات باید فرهنگ سازی مناسب برای حضور بانوان در پارک‌ها انجام می‌گرفت.

راهکار دیگر استفاده بانوان از پارک‌های بانوان برای انجام ورزش‌های همگانی است که با افزایش نشاط و سلامت روان آن‌ها خواهد شد.

و در آخر باید بگوییم که خانه‌داری از جمله مشاغل است که کمتر به آن توجه می‌شود و گاهی بی‌ارزش تلقی می‌شود ولی لازم است زنان خانه‌دار خودشان باور درستی از اهمیت کار خود داشته و راهکارهای لازم برای حفظ سلامتی شان را اجرا کنند تا زنان و به دنبال آن خانواده‌های سالم‌تری داشته باشیم.



# سرویس:

# خبر





## آقایان و وعده‌های دوران نامزدی، از خیال تا واقعیت ...



سمانه احمدی  
کارشناسی مهندسی صنایع

شود، این حق با نام اجره‌المثل بر عهده شوهر زنان است نه شخص رئیس جمهور مملکت.

بهتر است شوهر خانم‌های خانه‌دار را از وظایف خود و رعایت حقوق همسرانشان مطلع سازیم و یا مشکل بیکاری آقایان و ضعف اقتصادی جامعه را درست کنیم به جای اینکه وعده‌های حقوق و کسب و کار زنان خانه‌دار و یارانه‌های ۴۵۰ هزار تومانی یا حتی ۱ میلیون تومانی به مردم بدهیم که خود یکی از عوامل ایجاد تورم در جامعه است.

فرار نخبگان از کشور و یا مهاجرت مریم میرزاخانی از ایران ربطی به پیامک وحشت حجاب و یا آب بازی جوانان در پارک‌های شهر نداشت.

به قول یکی از نامزدها: «شما مسئله را اشتباه متوجه شدید ...»

برای همین راهکارهایتان بیشتر از اینکه برای زنان کارآمد باشد، خنده‌دار است. حتی برای ما زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهیم ولی فقط ۱۳٪ در اقتصاد کشور سهم داریم.

و در آخر یادداشت‌م را با جمله زیبایی از یکی از کاندیدای محترم تمام می‌کنم. «نتیجه‌ی صحبت از حقوق و خانم‌ها تا الان چه بوده است؟ هیچ. ما اگر از حقوق خانم‌ها صحبت می‌کنیم و دلسوز آنان هستیم، باید بدانیم هزاران زن سرپرست خانوار و بدسرپرست در جامعه داشته و داریم که دولت وظیفه اش بوده برای آن‌ها برنامه داشته باشد. ولی کارنامه شما این را نشان نمی‌دهد.»

اگر برنامه‌ای برای رساندن زنان به حداقلی حقوقشان ندارید، لاقال آن‌ها را علم برای رسیدن به منافع انتخاباتی خود نکنید.

متشکرم

کاندیدای دیگری سخنی زیبا گفت با این مضمون که:

«در جمع برای جلب توجه نباید هر حرفی را بزنیم. نزدیک انتخابات که می‌شود یاد آزادی زنان می‌افتیم!»

مردم نگاه می‌کنند، می‌گویند یادمان هست که قبلیا هم همین حرف‌ها را می‌زدند، ولی اجرا نکردند. من اصلاً کل کابینه‌ام را از خانم‌ها می‌گذارم که دیگر دستی رو دستم بلند نشود!»

جالب‌تر از همه این‌ها ادعای یکی از کاندیداهای محترم بود که قرار بود از علما اجازه‌ی فقهی لازم برای حضور زنان در کابینه دولت را بگیرد! گویا حضور زنان در دولت به اجازه فقها نیاز دارد. شاید برا همین است که هنوز مفهوم کلمه رجل سیاسی به طور واضح بیان نشده است و شاید برای همین بود که خانمی که بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری نام نویسی کرد، رد صلاحیت شد.

در اعتراض به همین قضیه یکی از کاندیداهای حامی حقوق زنان اعتراض کرد و به سوالی که در رابطه با مالیات از ایشان پرسیدند اینگونه جواب داد:

«چرا کاندیدای خانم را تایید صلاحیت نکردید؟»

دغدغه ذهنی این کاندیدا درمورد مسائل زنان به قدری زیاد بود که در نشست‌های خبری هم به جای پاسخ به سوالات اقتصادی در مورد حجاب و آزادی زنان حرف می‌زد!

کاندیدای دیگری با بیان این جمله که من به تمام زنان خانه دار ایران حقوق خواهم داد، به گمان خود بر زنان ارزش نهاده و مقام آنان را گرامی داشته است. حال آنکه، چه از نظر اسلام و چه از نگاه فمینیسم و غرب گرایی این حرکت حمایت از زنان محسوب نمی‌شود، بلکه باعث تحقیر آنان می‌شود.

طبق نگاه اسلام به زنان اگر هم قرار باشد حقوقی به خانم‌ها داده

این روزها همه‌ی ما در حال و هوای انتخابات دوازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری هستیم.

از وعده‌های خیالی که درمورد بسیاری از مسائل توسط برخی کاندیداهای محترم داده می‌شوند که بگذریم، به وعده‌های جالبی که به خانم‌ها داده می‌شود، می‌رسیم.

ما خانم‌ها با داستان معروف دوران نامزدی و وعده‌های سرخرمنی که داده می‌شود آشنا هستیم. یک جمله‌ی معروف هم در این زمینه هست:

«آقایان در دوران نامزدی وعده زیاد می‌دهند، شما جدی نگیرید ...»

۴۲ سال از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، ۳۲ سال است که اصلاح‌طلب‌ها با وعده آزادی به زنان رأی آورده‌اند. به عنوان مثال ۸ سال پیش وعده داده شده بود که زنان در دولت آقای روحانی می‌توانند وزیر شوند، نه تنها این اتفاق نیوفتاد، بلکه زنان نه به عنوان وزیر حتی مدیرکل هم برگزیده نشدند.

خانم فرزانه ترکان عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی جمله جالبی گفت که خبرساز شد.

«زنان در انتخابات ریاست جمهوری؟ این فقط یک شوخی تلخ است. معمولاً وقتی آقایان احساس می‌کنند برای ایجاد شور در انتخابات باید کار انجام شود، به زنان توجه می‌شود. اما بعد از اینکه به هدفشان می‌رسند یادشان می‌رود که به زنان چه وعده‌هایی دادند...»

در مناظرات امسال برخی از کاندیداهای محترم که با خواندن انشاء، گرفتن امان نامه و رفتارهای بچگانه‌ای که به هیچ‌وجه در شأن رئیس جمهور آینده یک مملکت نیست، خنده‌ای همراه با تاسف بر لبان ملت آوردند. با سودای حمایت از زنان و وعده‌های پوچ و دروغین بر سر تعداد وزرای خانم در کابینه دولت آینده به مزایده پرداختند! یکی وعده ۳ نفر می‌داد و دیگری وعده‌ی ۵ نفر.



# شبهه ساختار معاونت زنان



نرگس عابدینی  
دانشجوی کارشناسی مطالعات خانواده



ریحانه اسماعیلی  
دانشجوی کارشناسی مطالعات خانواده

**مصاحبه ای در ارتباط با معاونت زنان و خانواده با سرکار خانم عاطفه خادمی سیاستمدار، عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگر حوزه زنان و خانواده دارای مدرک دکتری سیاستگذاری فرهنگی.**

**❓ چرا گاهی این رویکرد دیده میشود که زنان و مشکلاتشان را بعنوان قشر آسیب پذیر در نظر میگیرند، و مسائل آن ها را مستقل از سایر ساختار ها میدانند؟**

این مسئله را از زوایای مختلف می شود بررسی کرد. یکی از علت های اینکه اساسا ما در ساختارها به صورت نظام مند و سیستمی ظرفیت های مربوط به حوزه زنان را فعال نکرده ایم و به صورت تکه پاره و جزیره ای هر بخش، متولی مسئله ای شده که آن هم در شأنیت همان ساختار عموما یک حالت تشریفاتی پیدا کرده است؛ بعنوان مثال عموما در وزارتخانه ها در حد یک فضای مشاوره ای یا دفتر مختصر در موضوع مرتبط با امور زنان ساختار را تعبیه کرده ایم. این کار اشتباه است. من قائل به این نیستم که در نهادها ساختار سازی کنیم. یک وقت شما یک نگاه یکپارچه و سیستمی دارید که اساسا فلسفه، شرح وظایف و کارکردها و کارویژه های نهادهای متولی کشورتان در بخش های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را با فهم پرداختن به جامعه زنان تعریف می کنید و در همه این ارکان و اجزای ساختاری از چشم انداز گرفته تا خروجی، عملیات و برنامه ریزی همه اینها را میبینید. خوب اینها کار را راحت ترمی کنند. مثلا شما می

گویید که وزارت کاری داریم؛ که اساسا هر کنشی که انجام می دهد ناظر بر حوزه زنان است و توجه دارد به مخاطب، جامعه زنان و حتی بالاتر از این فضا توجه دارد به موضوع خانواده که تقریبا قلمرو اختصاصی بانوان محسوب می شود. در ساختارهای فعلی، ما چنین چیزی نداریم؛ یعنی ساختارها و ظرفیت های فعال ما تقریبا بیگانه با موضوع زنان و خانواده هستند و از سمتی دیگر شأنیت حقوقی ای که ساختارهای متولی امور زنان در دستگاه های مرتبط داشته باشند، را نداریم. پس از این سمت به صورت اختصاصی و از آن سمت به عنوان یک روح حاکم بر فضا و نهادهای فعال کشور، با دو خلع در فضای ساختاری مواجه هستیم و تقلیل مسائل زنان در حد امور جزئی در سطح ساختاری منجر به این شده است که شما یک چیزی را هم دارید و هم ندارید؛ یعنی نه میتوان ادعا کرد که وزارتخانه ها و نهادهای متولی حاکمیتی و فراحاکمیتی به مسائل زنان نمی پردازند چون به مشاور زنان و دفاتر اشاره میکنند. و نه می توان ادعا کرد که به مسائل زنان می پردازند؛ چون آن مشاوره و دفاتر تعبیه شده هم کارکردهای تشریفاتی به خود گرفته اند و اساسا وجود اختیارات، امکانات و تخصیص منابع بر آنها مرتبط نمی شود. این یک زاویه خیلی مهم و پررنگی است که وجود دارد و برای همین پرداختن به مسائل زنان در ذیل این فضا منجر به این می شود که در نهایت چند سوژه خاص، آن هم احتمالا به واسطه رویدادها و اتفاقاتی که در فضای اجتماعی شکل می گیرد گاهی برجسته شود. یک زاویه دید تحلیلی دیگر این است که در جامعه زنان مطالبه و خواست عمومی نداشته ایم یعنی جامعه زنان هم به دنبال این نبودند که اساسا مسائل خود را در پیکره کلان اجتماعی دنبال کنند و رد پای

زنان برجسته میشود، و نه کلان مسائل جامعه زنان و خود مسئله زنان.

**❓ ۲. گستره ی حوزه ی اختیارات معاونت امور زنان تا چه حدی است و آیا فقط محدود به زنان است؟! و فراز و نشیب های این سازمان دولتی را چگونه ارزیابی می کنید؟ (با توجه به اقدامات مثبت و منفی که صورت گرفته است)؟!**

من معاونت زنان ریاست جمهوری را یک شبه ساختار می دانم. نه یک ساختار حقیقی؛ این عنوان با کارکرد و کارویژه خود هیچ تناسبی ندارد. یعنی اطلاق معاون دارید اما واقعا فردی که فعالیت می کند؛ معاون رئیس جمهور نیست و این موضوع را کاملا میشود در رویه دولت ها در نحوه انتصاب معاونت زنان مشاهده میکنید؛ که نه از ناحیه رئیس دولت پذیرش وجود دارد و نه از روند و رویه ها برمی آید. شما اگر یک رصد بکنید، میبینید که رئیس جمهور شاید خیلی در موضوع انتخاب معاون اول، معاون اجرایی و معاون هایی که در کابینه باید او را همراهی کنند حساس باشد. و خیلی اهتمام ویژه دارد که شخص خودش این تناسب را داشته باشد و بداند که چه اتفاقی قرار است بیفتد. اما در موضوع زنان این گونه نیست یعنی نسبتی بین خانومی که معاون رئیس جمهور میشود در امور زنان و خانواده و شخص رئیس جمهور وجود ندارد و این خیلی پررنگ است، در واقع می بینید که همین فضای جدیدی هم که شکل گرفته است کاملا قابل درک بود که اساسا انتصاب معاون به معنای حقیقی معاون صورت نگرفته است؛ پس این یک شبه ساختار است که فضای تشریفاتی به خود گرفته، و این جایگاه یک جایگاه تشریفاتی است. وقتی ارکان ساختاری معاونت را هم نگاه می کنید، می بینید که این ارکان هم کاملا ارکانی است که اساسا شأنیت یک معاون را ندارد. یعنی یک معاونت، بازوان اجرایی می خواهد برای اینکه بتواند در سطح خودش کنشگری داشته باشد. حال اگر ساختار معاونت زنان را بررسی بکنید، اساسا هیچ بازوی اجرایی ندارد، هیچ سازمان تبعه ای ندارد و هیچ ساختاری را ذیل آن مشاهده نمی کنیم.



نه میتوان ادعا کرد که وزارتخانه ها و نهادهای متولی حاکمیتی و فراحاکمیتی به مسائل زنان نمی پردازند چون به مشاور زنان و دفاتر اشاره میکنند. و نه می توان ادعا کرد که به مسائل زنان می پردازند؛ چون آن مشاوره و دفاتر تعبیه شده هم کارکردهای تشریفاتی به خود گرفته اند



خود، مسائل و حضور و بروز خود را در تمام ارکان و اجزای حکمرانی دنبال کنند؛ این باور در جامعه زنان شکل گرفته است که آن مدینه فاضله معاونت زنان نهاد ریاست جمهوری است که همه ظرفیت های فعال و نخبگانی هم در نهایت باید طی یک رقابت سالم یا ناسالم بخواهند به این فکر بکنند که آن مدینه فاضله در نهایت چگونه محقق می شود و چه فضایی، چه رویکردی و چه فردی بر آن حاکم می شود و این باعث میشود که وقتی این مطالبه وجود نداشته باشد اساسا بستری هم برای آن فعال نباشد. شما وقتی یک نیازی را در جامعه ایجاد می کنید سیستم به دنبال پاسخگویی به نیاز می رود. اما وقتی شما به عنوان جامعه زنان نتوانستید این نیاز را ایجاد کنید. نه فضای نخبگانی و کنشگران سیاسی شما توانستند این فضا را ایجاد کنند و نه فضای رسانه شما، که می تواند مخاطب عام را همراه خود بکند توانسته این مطالبه را ایجاد کند؛ این هم عامل خیلی مهمی در شکل گیری این فضایی که دارد راجع به آن گفتگو می شود و یک مورد دیگر که همیشه به آن اشاره کرده ام، حاکمیت رویکردهای سیاسی است که باعث می شود مسائل زنان همیشه در دو طیف افراط و تفریط، چپ و راست، فمینیست و رویکرد سنتی در این دوگانه های متضاد با یک دیگر تعریف بشود و ما نتوانیم حقیقت مسائل زنان را روایت کنیم و این روایت همیشه با برچسب زنی هایی همراه میشود که این هم باعث می شود که مسائل زنان به حاشیه برود و درست و اصولی به آن ها پرداخته نشود. شما وقتی دارید به مسائل زنان اشاره می کنید و در حوزه زنان می اندیشید و گفتگو می کنید یک لیبیل به شما میخورد یا شما را فمینیست میدانند که از حقوق و مطالبات زنان حرف میزنید، یا می گویند که رویکرد سنتی داشته و از خانواده صحبت می کنید یا می گویند گرایش اصولگرایی راست دارید و سیاست های طیف اصولگرا را تایید می کنید و یا می گویند گرایش و سوگیری اصلاح طلب دارید و سیاست آنها را دنبال میکنید. این فضاها، فضاهایی است که به نظر من از این سه منظر باعث می شود این مسائل همیشه تقلیل پیدا کند و همیشه فضای برون دادهای حوزه زنان برای متولیان موضوعیت پیدا کند؛ اینکه چه اتفاقی افتاده؟ براساس اتفاقی که افتاده است از سر گاهی شاید ناچاری، در دستور کار بررسی قرار بگیرد و برای همین همیشه حوزه آسیب های مسائل زنان و مشکلاتی که جامعه با آن مرتبط است در حوزه



وقتی ارکان ساختاری معاونت را هم نگاه می کنید، می بینید که این ارکان هم کاملا ارکانی است که اساسا شأنیت یک معاون را ندارد. یعنی یک معاونت، بازوان اجرایی می خواهد برای اینکه بتواند در سطح خودش کنشگری داشته باشد. حال اگر ساختار معاونت زنان را بررسی بکنید، اساسا هیچ بازوی اجرایی ندارد







در نهایت دو یا سه بخش دارد، یک معاون بین الملل دارد، یک برنامه ریزی پژوهشی و امثالهم دارد، که شما نمی توانید فهم کنید که با این ترکیب چگونه قرار است تمامی مسائل جامعه زنان و نیمی از جمعیت کشور، متمرکز شود در این ساختار. من این را کاملاً ناکارآمد می دانم، اما این به معنی

**حکمرانی و حکومت و دولت باید متوجه این باشد که ظرفی را که تعبیه کرده است برای نقش آفرینی زنان، متناسب با ظرفیت جامعه زنان نیست. این مظلوف نمی تواند در این ظرف جا شود و سرریز می کند**

66

این نیست که ایده هایی مثل وزارت زنان را هم مطلوب بدانم؛ چون معتقدم که در واقع ایجاد ساختارهای موضوعی در حوزه زنان و خانواده، به ضرر و زیان جامعه زنان قلمداد می شود. به قول استادمان خانم دکتر صادقی که معتقد به این هستند و به این اشاره کردند که تعبیه این ساختارها باعث می شود که زنان بیش تر از پیش به حاشیه رانده شوند، و این تجربه را ما داشتیم کمالینکه در سوال اول هم پاسخ دادم. گفتم که شما یک دفتر می زنید امور زنان در وزارت خانه، بعد این توقع شکل می گیرد برای همه که خب شما که الان ساختار را دارید، در یک دفتر متمرکز بشوید! در صورتیکه مسائل زنان با همه بخش ها، فزاینده است کاملاً و همه نهاد هارا باید در بر بگیرد. ولی ساختار معاونت فعلی، اساساً کشش این را ندارد. ما هم در واقع می شود گفت در روند و رویه ی انتخاب معاون، هم در نسبت حقیقی اش و در جایگاه حقیقی اش که قرار است تعریف بشود و هم در ابزارها، ساز و کارها و امکان هایی که در معاونت وجود دارد با ضعف های بسیار بسیار جدی و چالش های اساسی مواجه هستیم، که این منجر می شود که معاونت کاملاً ناکارآمد باشد و خروجی که دارد شاید خروجی باشد که احتمالاً در سطح یک سازمان مردم نهاد بشود قیاسش کرد خروجی هایش را و مقایسه کرد به جهت کمی و کیفی. در واقع به نظر من این خیلی محل بررسی جدی را می طلبد.

یک نکته درباره فراز و نشیب هایی که وجود دارد برای این معاونت، بزرگترین فراز و نشیبی که با آن مواجه ایم این است که این بستر، بستری نیست که امکان تجمیع ظرفیت نخبگان را بتواند محقق کند. و شما می بینید که یکی از مهمترین فراز و نشیب هایی که با آن مواجه هست، در واقع فعال کردن این ساز و کار در دولت ها است، که شاید دولت سیزدهم رکورددار چالش های این بخش بوده در بین دولت های گذشته. یعنی شما می بینید در دولت های گذشته، دعوی که شکل می گیرد در فضای حوزه زنان، برای اینکه متولی و معاون امور زنان و خانواده مشخص بشود، اصلاً فضای اجتماعی پیدا نمی کند یا خیلی برجسته نیست در حوزه زنان و خانواده. رئیس جمهور یک فرد را به واسطه در واقع برداشت ها و فضای خودش، یک فرد را یا مشاوره هایی که داده می شود را انتخاب می کند. ولی شما می بینید که وقتی فضا باز می شود، به واسطه خوانشی که دولت سیزدهم دارد، از نقش آفرینی مردمی و باز شدن عرصه سیاسی برای اظهار نظر و بروز و ظهور افراد، این عرصه وقتی باز می شود، در حوزه زنان می بینید که نمی شود آن را جمع کرد، یعنی امکان جمع شدن وجود ندارد در این موضوع و مسئله. بزرگترین چالشی که شکل می گیرد برای دولت سیزدهم، این است که کابینه سه، چهار ماه درگیر می شوند، حتی کابینه تشکیل می شود، رای اعتماد را می گیرد. حوزه اقتصاد که پر چالش ترین حوزه فعلی کشور است، تعیین و تکلیف می شود، افراد آن مشخص می شوند، اما باز در حوزه زنان شما می بینید که چقدر با فراز و نشیب و سیکنال های عجیب و غریب مواجه اید. این خودش یک نشانه خیلی مهم است از اینکه اساساً یک جای کار ایراد دارد و مهمترین ایراد این است که حکمرانی و حکومت و دولت باید متوجه این باشد که

ظرفی را که تعبیه کرده است برای نقش آفرینی زنان، متناسب با ظرفیت جامعه زنان نیست. این مظلوف نمی تواند در این ظرف جا شود و سرریز می کند و باعث می شود که شما سراغ هر گزینه ای که می روید، ببینید که چقدر چالش ایجاد می کند. این به جهت سوگیری های سیاسی نیست. من معتقد ام این بخش عمده اش، به کم ظرفیتی جامعه زنان هم نیست. یک روایت هایی شکل می گیرد که ظرفیت جامعه زنان چقدر کم است، ببینید چقدر دعوا در آن بالاست. خیر، من معتقد به این هستم که این به جهت آن است که شما بستری را ندارید برای اینکه ظرفیت فعال آماده کنشگری تان را پوشش دهید در ساختارهای خودتان، و امکان ها را برایشان فراهم کنید و اینها مجبور می شوند که فقط و فقط به یک معاونت فکر کنند، چون اساساً امکان و تراز و جایگاه دیگری برای خودشان متصور نیستند. این یکی از چالش های جدی است. چالش های دیگر هم که به دنبال آن محقق می شود؛ در واقع یکی از آن این است که فردی که در جایگاه معاونت قرار می گیرد، سوگیری اش، رویه هایش، منش اش، دستگاه فکری اش، در حوزه زنان چه است و چگونه قرار است عمل بکند؟ و بعد هم منابع و امکاناتی که در اختیار دارد. این ها جزء فراز و نشیب هایی است که در معاونت قابل توجه است.

### ۳. یکی از دلایل نابه سامانی وضعیت زنان در جامعه امروزی به فقدان مبانی نظری و فقهی مطابق با روز جامعه بازمی گردد. از نظر شما معاونت در بُعد اجرایی و مشورتی چه نوع مواجهه ای با این چالش داشته است؟

در مورد معاونت زنان و نسبتش با حوزه نظری و شکل گیری فضای نظری و فقهی: این معاونت مسئله محور بوده است، یعنی عموماً پرداخت آن به حوزه نظری و تمرکز بر دستگاه فکری تقلیل یافته بوده و صرفاً محدود به مسائلی بوده است که در این حوزه ها شکل میگیرد. آن هم عموماً به واسطه گرایش های سیاسی بوده است. مثلاً دولت اصلاح طلب در پرداختن به این مسئله ها میشود گفت که خیلی برجسته سازی بیشتری داشته است، چون ناظر بر حقوق زنان، ناظر بر مسائل فقهی مرتبط با زنان می شده و اینها بروز و ظهور اجتماعی داشته است، برای همین همیشه برجسته تر شده و در حد مسئله اجتماعی که بار فقهی، نظری و حقوقی دارد، معاونت زنان ورود پیدا کرده است. اما معاونت هیچ وقت دنبال این نبوده که ببیند آیا اساساً پشتوانه نظری و گفتمانی دارد که بخواهد حرکت خودش را بر اساس آن ریل گذاری کند یا خیر. کسی هم به این توجه نمیکند. قائل به این هستند که شاید جایگاه این چنین نیست؛ در صورتی که اتفاقاً شما اگر تمام ساختارهای حوزه های زنان را که عموماً در قالب وزارتخانه بیشتر تعریف می شود در دنیا رصد کنید، می بینید که فلسفه شکل گیری آن، بخش عمده ای از جهت ایدئولوژی که دنبال حاکم شدنش بودند، یعنی ساختار بر اساس ایدئولوژی طرح ریزی کردند. بعد شما نسبت ایدئولوژی که همان مبانی نظری و فقهی در جمهوری اسلامی است، با معاونت زنان نسبتی کاملاً بیگانه است. اساساً

66

**معاونت هیچ وقت دنبال این نبوده که ببیند آیا اساساً پشتوانه نظری و گفتمانی دارد که بخواهد حرکت خودش را بر اساس آن ریل گذاری کند یا خیر.**

**اگر تمام ساختارهای حوزه های زنان را که عموماً در قالب وزارتخانه بیشتر تعریف می شود در دنیا رصد کنید، می بینید که فلسفه شکل گیری آن، بخش عمده ای از جهت ایدئولوژی که دنبال حاکم شدنش بودند، یعنی ساختار بر اساس ایدئولوژی طرح ریزی کردند.**

66

تعاملی بین این حوزه ها وجود ندارد و متأسفانه معاونت زنان هیچ وقت به صورت جدی به این نیاندیشیده و همیشه یک مواجهه ی کوتاه مدت مقطعی داشته، که بیشتر حول فضای سیاسی مدیریت شده است. یعنی آورده سیاسی برای جریان های سیاسی حاکم در دولت ها در حوزه زنان داشته است، به جای آنکه آورده برای خود مسائل زنان داشته باشد. مثل مسائل فقهی در مورد ورزش بانوان، ورود زنان به ورزشگاه، حقوق زنان و حق حضانت و امثالهم. اینها بیشتر حول فضا سازی سیاسی و رسانه ای برجسته شده تا اینکه بخواهد مسئله حقیقی را از جامعه زنان حل بکند.

### ۴. به طور کلی فکر می کنید معاونت امور زنان در دولت جدید با چه چالش هایی رو به رو خواهد بود؟

اولین چالشی که خیلی جدی با آن مواجه شد مشروعیت و مقبولیت بود. به نظر من موضوع مشروعیت معاونت زنان و مقبولیتش در بین حوزه زنان در سطح کنشگران و تا حدودی هم عموم جامعه زنان، بسیار جدی است و این هم به جهت معیوب بودن رویه و ساز و کارهای ورود به حوزه زنان توسط دولت، شکل گرفته است. یعنی دولت، منطق مشخص، رویه درست و شفافیت در این موضوع نداشت، حوزه زنان را با چالش های جدی مواجه کرد، التهابات بی شماری را وارد کرد. ملتهد کرد حوزه زنان را، و در عین حال هیچ کس پاسخگو نبود. یعنی شما نخبگان حوزه زنان را می دیدید که همه شان منتظر این هستند که چه اتفاقاتی دارد می افتد و هیچ کس خبر ندارد. یعنی در واقع میشود گفت که بی خبری و این نادیده گرفتن ظرفیت فعال مطالبه گری، که مدام سعی می کرد که انتظارات و مطالبات خودش را به گوش دولت برساند، منجر به این شد که در نهایت مواجهه ای که شکل میگیرد با انتصاب ها، مواجهه ای باشد که مشروعیت و مقبولیت را زیر سوال ببرد. مثلاً





است که حتماً معاونت زنان باید جدی به آن فکر کند. درست است که یک بدنه عظیمی از ظرفیت به همراه و همسو با دولت معتقد هستند که، الان باید همکاری و تعامل با معاونت زنان شکل بگیرد. اما شخص معاونت زنانی که الان در واقع متولی امر است، خودش را باید مسئول بداند، در نسبت با این رویه ای که شکل گرفت، به نظر من اصلاً نمی تواند این رو نادیده بگیرد. اگر نادیده بگیرد فضایی را که شکل گرفته و عقبه ای که منجر شد خودش به این مسند برسد، کاملاً نشان دهنده این است که شاید خیلی نگاه راهبردی وجود ندارد و من جزو عیوب می دانم و معتقد به این هستم که این چالش را حتماً باید آسیب شناسی دقیق شکل بگیرد توسط معاونت نسبت به آن، و از چالش های بسیار جدی محسوب میشود که نسبت به آن باید راهکار و تدبیری اندیشیده شود. و از چالش های دیگری که وجود دارد؛ این است که بسته به اینکه ساز و کار فعالیت در حوزه زنان چه باشد، بخشی از آن برمیگردد به بعد از عملکرد. من فکر می کنم که باز دوباره بحث انتظارات و مطالبات جامعه زنان، فضاهای مسئله مندی و سرفصل های موضوعی بی شماری که ما همیشه در حوزه زنان داشتیم، جزو چالش هایی است که همواره معاونت زنان با آن مواجه بوده است و مخصوصاً صرفاً این دولت نیست. این دولت با اتفاقاتی که شکل گرفت در این موضوع که عرض کردم یک مقدار شاید این چالش برایش پررنگ تر باشد.

یک موضوع دیگر هم که شاید جزو چالش های معاونت زنان محسوب شود: نسبتش با شرایط فعلی کشور است. در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. او هم مخاطبانی را دارد که این مخاطبان مسئله مند شدند. فضای کرونا را داریم، فضای معیشت و اقتصاد را داریم. اینها همه معاونت زنان را هم با چالش مواجه می کند. اینطور نیست که بگوییم آنها به حوزه های اقتصادی و سلامت و معیشت است، یک بخش دیگر مجزایی از جامعه است، و معاونت زنان بخش دیگر است. احتمالاً انتظار این را هم داشته باشیم که اولویت آنهاست. خیر، کاملاً اینها با هم ارتباط دارند. نیمی از این جامعه زنان هستند و درگیر با موضوعات مختلفی هستند که در کشور با آن مواجه ایم. از چالش های جدی این است که اساساً با توجه به ردیف بودجه و تخصیص منابع و امکاناتی که دولت اختصاص میدهد به بحث معاونت زنان، و سرفصل های برنامه ای که در برنامه ششم توسعه دیده شده، این معاونت چگونه میخواهد عبور کند از این مسیر و چالش های پیش رو. این هم یکی دیگر از مواردی است که باید به آن اشاره شود.

و یکی دیگر از مواردی که در دستور کار بحث معاونت هست، نسبت خودش با شعارها و رویکرد دولت است، در موضوعاتی که جزو غیریت های این دولت با دولت های دیگر دارد، محسوب می شود؛ مثل بحث تحول در دولت و حکمرانی، مثل بحث عدالت، مثل بحث فساد... عدالت در دولت های گذشته هم بوده است ولی اینکه این معاونت چگونه قرار است روایت تحول را در دولت سیزدهم در حوزه زنان محقق کند و در واقع چه اتفاقی می افتد، اینها جزو مواردی است که به نظر من در معاونت زنان وجود دارد.



**اولین چالشی که خیلی جدی با آن مواجه شد مشروعیت و مقبولیت بود.**

**بی خبری و این نادیده گرفتن ظرفیت فعال مطالبه گری، که مدام سعی می کرد که انتظارات و مطالبات خودش را به گوش دولت برساند، منجر به این شد که در نهایت مواجهه ای که شکل میگیرد با انتصاب ها، مواجهه ای باشد که مشروعیت و مقبولیت را زیر سوال ببرد.**



انتخاب خانم یآوری و بردن ایشان به اولین دیدار هیئت دولت با مقام معظم رهبری. جامعه زنان به یکباره با تصویری رسانه ای مواجه میشود، که نمی شناسد و دنبال این است که معما را حل کند. جامعه زنان و نخبگان، این حوزه بسیار برایشان سخت بود و نتوانستند حذف کنند این فضای مواجهه دولتی را که انقدر بحث مردمی بودن برایش موضوعیت داشت و بحث نخبگانی. و بعد می بینید که آن انتخاب باز دوباره لغو میشود و بعد در واقع همه در شکل گیری یک فضای مطالبه گری جدیدی هستند و انتظار دارند دولت خواسته هایی را ببینند، ولی باز دوباره یک دفعه با یک انتخاب دیگر تقریباً یک سکوت معناداری حاکم می شود در حوزه زنان. این سکوت به نظر من جزو چالش هایی



# وو خیال خام!

مرد نباید خیال کند چون می‌رود توی کوچه و بازار و با این و آن سر و کله می‌زند و یک شاهی - صنار پول می‌آورد خانه، همه چیز دیگر مال اوست، نه! آنچه او می‌آورد نصف موجودی همه این خانواده است. نصف دیگر این خانم است. اختیارات خانم کدبانویی خانم، رأی و نظر و نیازهای روحی خانم، اینها را باید رعایت کند.  
رهبرانقلاب ۱۳۷۳/۹/۲

